



Extramarital Relationships of Women: A Qualitative Study

Masoumeh Mayeli¹

1. Member of the Faculty of Sociology Department, Farzanegan Campus, Semnan University, Semnan, Iran. E-mail: mmayeli@semnan.ac.ir

Article Info**Article type:**

Research Article

Article history:

Received: 2024-05-25

Received in revised form:
2024-12-04

Accepted: 2025-01-10

Published online:
2025 - 02 - 02**Keywords:**extramarital relationships,
marital commitment,
qualitative content analysis,
women, family

ABSTRACT

Extramarital relationships are a significant threat to the stability of marital relationships and family functioning, and they are among the primary causes of divorce, posing a critical issue for families and social health. The study aims to identify the causes of extramarital relationships in women. This research was conducted qualitatively using thematic analysis. Based on purposive sampling and the criterion of theoretical saturation, 17 women with extramarital relationships residing in the city of Islamshahr participated in the study. To collect information, semi-structured interviews were utilized. The thematic analysis of the interview data revealed three main themes: individual factors, interpersonal factors, and social factors. Intrapersonal factors are identified by recognizing elements such as personality traits, psychological disorders, and dysfunctional attitudes; interpersonal factors are recognized through themes such as disruptions in love and feelings of attachment to a spouse, lack of alignment and companionship, low-quality sexual relationships, and ineffective relationships. Social factors are identified by examining a set of social conditions, including macro-level changes like individualism, shifting values, the promotion of alternative values, the absence of healthy relationships, the facilitation of technology and virtual media, changes in women's perspectives on their roles and responsibilities, and the diminishing of core beliefs. These elements are recognized and categorized as the main themes of this research. The findings of this study can provide a clear picture of the experiences of individuals who have engaged in extramarital relationships, which can aid in developing effective coping strategies. The results indicate that the emergence of extramarital relationships among women is a multi-faceted phenomenon, and it can arise from the interaction of various factors. It is a process in which multiple components and conditions play a role, and alongside individual factors, the quality of marital relationships and cultural and social influences in the formation and increase of these relationships should not be neglected.

Cite this article: Mayeli, M. (2024). Extramarital Relationships of Women: A Qualitative Study.... *Journal of Social Problems of Iran*, 15 (1),51-76.



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

روابط فرا زناشویی در زنان: یک مطالعه کیفی

معصومه مایلی^۱

۱. عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی، پردیس فرزانهگان، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران، رایانامه: mmayeli@semnan.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	روابط فرا زناشویی از مهم ترین تهدیدات برای ثبات روابط زناشویی و عملکرد خانواده و از عمده ترین دلایل طلاق و از بحرانی ترین مسائلی است که خانواده ها و سلامت اجتماعی را تهدید می کند. هدف پژوهش دستیابی به علل روابط فرا زناشویی در زنان است. این پژوهش به شیوه کیفی و با استفاده از روش تحلیل مضمون یا تماتیک انجام شده است. بر اساس روش نمونه گیری هدفمند و معیار اشباع نظری، ۳۴ نفر از زنان دارای روابط فرا زناشویی ساکن در شهر اسلامشهر در پژوهش، مشارکت کردند. جهت جمع آوری اطلاعات، مصاحبه های نیمه ساختاریافته مورد استفاده قرار گرفت. تحلیل مضمون اطلاعات به دست آمده از مصاحبه ها، ۳ درون مایه اصلی شامل عوامل فردی، عوامل بین فردی و عوامل اجتماعی را آشکار ساخت. عوامل درون فردی با شناسایی عواملی مانند ویژگی های شخصیتی، اختلالات روانی، نگرش های ناکارآمد، عوامل بین فردی با شناسایی مضامینی مانند خلل در عشق و احساس تعلق خاطر به همسر، عدم همسویی و عدم همراهی یکدیگر، کیفیت پایین رابطه جنسی و روابط ناکارآمد، عوامل اجتماعی با شناسایی مجموعه ای از شرایط اجتماعی مانند تحولات کلان مانند فرد گرایی، تغییر ارزش ها و ترویج ارزش های جایگزین، فقدان رابطه ناب، تسهیل گری تکنولوژی و رسانه های مجازی، تغییر نوع نگاه زنان نسبت به زن بودن و مسئولیتهای آن، کم رنگ شدن اصول اعتقادی، به عنوان درون مایه های اصلی این پژوهش شناخته و دسته بندی شدند. یافته های پژوهش نشان داد بروز روابط فرا زناشویی در زنان، یک پدیده یک بعدی نیست و می تواند حاصل تعامل عوامل مختلفی بوده و فرایندی باشد که مؤلفه ها و مجموعه شرایط متعددی، در بروز آن مداخله داشته باشد و در کنار عوامل فردی نباید از نقش عوامل کیفیت روابط زوجی و عوامل فرهنگی و اجتماعی در شکل گیری و افزایش این روابط غافل شد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۵	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۱۴	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۱	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۱۴	
کلیدواژه ها: روابط فرا زناشویی، تعهد زناشویی، تحلیل محتوای کیفی، زنان، خانواده.	

استناد: مایلی، معصومه. (۱۴۰۳). روابط فرا زناشویی در زنان: یک مطالعه کیفی. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۵(۱)، ۵۱-۷۶.



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

مقدمه

نهاد خانواده، ابتدایی ترین و اصلی ترین پایه جامعه را تشکیل می دهد و به عنوان یک واحد اجتماعی، تحت تأثیر محیطی پیرامون خود قرار می گیرد. این نهاد مهم البته در گذر زمان و به خصوص در یک قرن اخیر تحت تأثیر تغییرات ناشی از گذر از دوران سنتی به مدرن، به ویژه در جهانی که رسانه‌ها نقش بسیار مهمی در ساخت نگرش‌ها، باورها و رفتارهای انسان‌ها دارند، دستخوش تغییرات مهمی در ساختارهای خود شده است. بررسی سیر تحولات در حوزه خانواده نشان میدهد که در دهه‌های اخیر دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و به دنبال آن، دگرگونی‌هایی که در شکل و وظایف خانواده، نوع نگاه افراد به خود و خانواده و انتظارات آن‌ها از ازدواج و زناشویی پدید آمده است، در برخی موارد به تعدیل سنت‌ها و در برخی موارد به کم‌رنگ شدن ارزش‌ها منجر شده است که همین امر خانواده‌ها را آسیب پذیرتر کرده و نهاد خانواده را با چالش‌ها و تعارضاتی متفاوت و مضاعف نسبت به گذشته دست به گریبان ساخته است، از نتایج چنین وضعیتی سستی روابط زناشویی و به تبع آن افزایش میزان روابط فرزندناشویی و طلاق در جوامع مختلف است. تعهد به همسر مهمترین جنبه کیفی رابطه زناشویی است و به عنوان مکانیزمی تداوم بخش در پایداری ازدواج و سلامت نظام خانواده عمل می کند. روابط فرزندناشویی که به معنی عدم تعهد به همسر است، یکی از مهم ترین تهدیدات برای ثبات روابط زناشویی و عملکرد خانواده و از عمده ترین دلایل طلاق است. تعریف روابط فرزندناشویی، به دلیل این که یک معنای مورد پذیرش جهانی برای آن وجود ندارد، امری دشوار است و همین امر، تعیین و برآورد میزان وقوع آن را متاثر و متفاوت می سازد. در گذشته، رایج ترین تعریفی که از روابط فرزندناشویی وجود داشت، منحصر به برقراری ارتباط جنسی بود. اما تعریفی که در حال حاضر از روابط فرزندناشویی وجود دارد، علاوه بر رابطه جنسی با شخصی خارج از رابطه زناشویی، دربرگیرنده حیطه بسیار گسترده‌ای از رفتارها در دنیای واقعی و مجازی است. از این رو، متخصصان، نسبت به تعریف واحدی از آن، اشتراک نظر ندارند. اما یکی از جنبه‌های مشترک در همه این تعاریف، پنهانی و مخفیانه بودن کل رابطه و یا پنهان بودن زوایایی از آن است که به عنوان، یک عنصر پذیرفته شده برای تعریف و تشخیص این نوع روابط، تعیین شده است. رابطه فرزندناشویی هر فعالیت عاطفی یا جنسی مخفیانه ای است که فرد در حالی که در یک رابطه کاملاً خصوصی (ازدواج) قرار دارد، انجام می دهد (فیشرمن و وی^۱، ۲۰۱۷). علی رغم اهمیت و ارزشمندی غیر قابل انکار وفاداری برای زوجین، شواهدی برای درگیری برخی زوجین در روابط فرزندناشویی وجود دارد. البته تعیین شیوع و ارائه آمار در مورد روابط فرزندناشویی دشوار است، چرا که یکی از ویژگی‌های روابط فرزندناشویی پنهانی بودن آن است. با این حال در مورد شیوع روابط فرزندناشویی، پژوهش‌ها نشان میدهند که در جهان به طور متوسط ۲۳٪ مردان و ۱۹٪ زنان روابط فرزندناشویی داشته اند (مارک^۲ و همکاران، ۲۰۱۱). در مورد جامعه ایران، متأسفانه هیچ آمارواقعی از زوجین دارای روابط فرزندناشویی، در دست نیست با این حال برخی مطالعات و پژوهش‌های انجام شده از سوی سازمان‌های مختلف و پژوهشگران، به طور ضمنی به این موضوع اشاره کرده‌اند. به عنوان مثال، طبق آمارمنتشرشده از سوی سازمان بهزیستی ایران در سال ۱۳۸۷، علت ۶۷٪ از قتل مردان به دست همسرانشان خیانت بوده است. بیشترین آمار قتل‌های خانوادگی که ۳۰ درصد است، به زانی مربوط است که به دلیل رابطه نامشروع و سوءظن، توسط همسران خود به قتل رسیده اند. از سوی دیگر، ۲۲ درصد از قتل‌های خانوادگی مربوط به قتل مردان توسط همسرانشان است که در ۴۰ درصد، زنان با همدستی معشوق خود، شوهرانشان را به قتل رساندند (فتحی و همکاران، ۱۳۹۲). در پژوهشی دیگری که در شهر البرز انجام شد، مشخص شد که حدود ۳۳ درصد از ۸۶۰ زن متاهل، به همسرشان خیانت می کردند و

1 Fishman & May

2 Mark

از این میزان حدود ۲۴ درصد از عمل خود احساس شرمساری نمی کنند (قرایی مقدم، ۱۳۹۳). شکل گیری مفهوم بین الاذهانی و بازنمایی پدیده روابط فرازنشویی، یکی دیگر از نشانه‌های افزایش روابط فرازنشویی در جامعه است اشاره به افزایش آمار روابط فرازنشویی از نظر متخصصان حوزه خانواده در مطالعات و مشاهدات میدانشان و افزایش آسیب‌های اجتماعی مرتبط با موضوع روابط فرازنشویی و بازتاب گسترده این پدیده طی دهه های اخیر، انتشار مطالب علمی و پژوهشی در نشریات، رسانه های جمعی، آثار سینمایی نشان می دهد که شیوع روابط فرازنشویی در خانواده‌های ایرانی نمود بیشتری پیدا کرده است و این امر، از یک سو، نشان از فراگیر شدن این پدیده دارد و از سوی دیگر، بیانگر آن است که در جامعه امروز از قبح این پدیده و پدیده هایی از این دست به شدت کاسته شده است (اجتهادی، واحدی، ۱۳۹۶، ۱۰۸). عدم رضایت از زندگی مشترک یکی از مهمترین عوامل برقراری روابط فرازنشویی از سوی زنان است به طوری که تنها ۲۸٪ از زنانی که اقدام به رابطه فرازنشویی کرده بودند از زندگی مشترک رضایت داشتند و ۵۲٪ رضایت پایینی را گزارش می کنند (کوبریوا و زمیری، ۲۰۱۵). به نظر می رسد، انگیزه اغلب زنان، تامین نیازهای عاطفی و احساسی باشد (میلار^۲، ۲۰۱۷) و در مقایسه با مردان، دلایل پیچیده تری برای روابط فرازنشویی از سوی آنان وجود دارد (اسچیکلفورد، باس و بنت^۳، ۲۰۰۲) همچنین به دلیل ایجاد وابستگی عاطفی و روانی، بسیاری از زنان، قطع رابطه فرازنشویی خود را بسیار دشوارتر از مردان تلقی می کنند. با توجه به این که شناخت و بررسی زمینه‌های بروز روابط فرازنشویی و برنامه ریزی برای کاهش و رفع این عوامل و پیشگیری از وقوع آن و ارتقاء بهداشت روانی خانواده‌ها، سطح سلامت اجتماعی در وهله اول و همچنین ارائه مدل‌های مداخلات تخصصی در وهله دوم، می تواند به جوامع در راستای ارتقاء بهداشت روانی خانواده‌ها، سطح سلامت اجتماعی و حفظ نظم و تعادل اجتماعی یاری رساند از طرفی همسو با رویه در حال رشد مداخلات مبتنی بر شواهد در حوزه های مختلف از جمله خانواده، تاکید زیادی بر وجود الگوهای مداخلات بومی است، لذا با شناخت عوامل فردی، میان فردی (رابطه ای و فرایندی)، اجتماعی زمینه ساز روابط فرازنشویی و ارائه یک الگوی مفهومی که هدف این پژوهش است، میتوان به این مهم دست یافت، یافته های این فاز از پژوهش، در فاز بعدی پژوهش که ارائه الگوی مداخله مددکاری اجتماعی می باشد، توسط پژوهشگران مورد بهره برداری قرار گرفت و به همین دلیل الگوی مداخله طراحی شده مبتنی بر عوامل زمینه ساز شناسایی شده در مصاحبه ها می باشد. پژوهش با استفاده از روش کیفی در پی پاسخ به این سؤال است: "عوامل زمینه ساز روابط فرازنشویی با توجه به بافت فرهنگی اجتماعی شهر اسلامشهر کدام است؟"

چار چوب مفهومی

روابط فرازنشویی به عنوان یک مسئله اجتماعی پیچیده، حاصل ترکیب مجموعه‌ای از متغیرهای مؤثر در سطوح خرد و کلان است. این مسئله ماهیتی چند بعدی دارد و در شبکه ای از روابط علی با پدیده های اجتماعی دیگر قرار دارد و با توجه به پیچیده و چند بعدی بودن روابط فرازنشویی، برای ادراک آن نیازمند شناسایی دلایل، مکانیسم ها و زمینه ها و ابعاد اجتماعی ایجاد کننده آن هستیم. با توجه به هدف پژوهش که تلاش دارد فهمی ترکیبی، چند بعدی و عمیق از واقعیت روابط فرازنشویی در زنان داشته باشد و آن را بر اساس تجربه زیسته آنان مورد بررسی و مطالعه قرار می دهد، برای افزایش حساسیت نظری از رویکرد برساخت گرایی برای آگاهی از اذهان مشارکت کنندگان در پژوهش و دستیابی به مقولات و مفاهیمی مانند آگاهی، نگرش، ادراک و احساس، عقاید آنان برای

1 Kubrebwa & Dzimiri

2 Millar

3 Shackelford, Buss and Bennett

پاسخگویی به این سوال که چرا و چگونه معناهای متفاوت نسبت به یک مسئله بر رفتار آنان مؤثر و اهمیت فرایندهای اجتماعی به عنوان یکی از منابع اصلی رفتار انسانها به جای تمرکز صرف بر عاملیت فردی و عملکردهای شناختی و درونی افراد، استفاده شده است، زیرا رویکرد برساخت گرایی برای شناخت پدیده‌های انسانی به دنیای ارزش‌های انسان‌ها توجه و بر این اساس پدیده‌های انسانی را تشریح و تبیین می‌کند. بر اساس این رویکرد، افراد درگیر در روابط فرازناشویی، طبق پنداشتی که از این رابطه دارند و تفسیری که در هر موقعیت از آن به عمل می‌آورند که خود تحت تاثیر فرایندهای اجتماعی است، پدیده اجتماعی روابط فرازناشویی را می‌سازند.

همچنین در پژوهش حاضر، با توجه به تعدد تعاریف در مورد روابط فرازناشویی، استفاده از دیدگاه‌های پسا مدرن از جمله نظریاتی مانند نظریه رابطه ناب و عشق سیال که به مفاهیم کلیدی مانند تأثیرات تغییرات اجتماعی، تأثیرات مدرنیته و... می‌پردازد، نیز بهره گرفته شده است. رابطه ناب از نظر گیدنز، رابطه‌ای است که بر پایه عشق و علاقه برقرار می‌شود نه بر اساس عادت و سنت‌ها. گیدنز خاطر نشان می‌کند به دلیل برخی ویژگی‌های عصر مدرن، ماهیت روابط در عرصه خانواده تغییر یافته و از چارچوب ساختارهای سنتی به سوی شکل‌گیری روابطی متفاوت و نسبتاً رها شده از قیودات و محدودیت‌های گذشته و به عبارت دیگر روابط ناب حرکت کرد. رابطه ناب، نوعی رابطه اجتماعی است که می‌توان آن را به دلخواه پایان داد و تنها تا زمانی پایدار است که فواید کافی برای شخص داشته باشد. چنین رابطه‌ای مستلزم داشتن تعهد، نه تنها به فرد دیگر، بلکه نسبت به نقش رابطه اجتماعی هم هست، امری که از ویژگی‌های درون ذاتی رابطه ناب است. از طرف دیگر، همین رابطه را می‌توان به دلخواه گسست. ارتباط ناب تنها برای پاداشی به وجود می‌آید که از نفس خود ارتباط حاصل می‌شود و نیازمند تعهد پیشینی است که نوع ویژه‌ای از اعتماد، محسوب می‌شود و منظور از آن، تعهد به نفس ارتباط و همچنین به شخص یا اشخاص دیگر است. تقاضای صمیمیت، جزء تفکیک ناپذیر ارتباط ناب است که خود نتیجه همان اعتماد است. تعهد متاعی کمیاب است، به دلیل آنکه دقیقاً نیازمند کشش‌های روانی متقابل در نوعی رابطه ناب است (گیدنز، ۱۳۸۲، ۳۰). نظریه عشق سیال باومن به ناپایداری روابط عاطفی در عصر مدرن اشاره دارد باومن معتقد است که جهان مدرن، جهانی عقلانی‌شده، محاسبه‌گر و افسون‌زدایی شده است که در آن روابط عاشقانه به شکلی سست، موقتی، غیرقابل اعتماد و کالایی شده تعریف می‌شوند و نوعی ناپایداری در عشق، تحت پیامدهای مخرب مدرنیته بر انسان در جامعه کنونی مستولی است. جامعه مدرن انسان‌ها را به سوی ایجاد پیوندهای سست سوق می‌دهد. باومن معتقد است که "سیال بودگی"، تمثیل خوبی برای توصیف جوامع، در عصر حاضر است و اشاره دارد «بر خلاف اشکال جامد، اشکال مایع و سیال، زمانی که زیر فشاری از بیرون قرار می‌گیرند، نمی‌توانند شکل خود را حفظ کنند، حتی اگر این فشار، فشار کوچکی باشد، زیرا پیوندهای میان اجزاء این اشکال، سست است و نمی‌تواند مقاومت کنند. باومن به وضعیت ناپایدار روابط عاشقانه که به نظر می‌رسد صرفاً متکی بر تجربه و شرایط برخاسته از فرهنگ مدرن است دست می‌گذارد و بیان می‌کند که ما از یک سو با جهانی بی‌ثبات و آکنده از عوامل غافلگیرکننده و نامطموع سروکار داریم، که در آن هر کس نیاز به شریکی وفادار و ایثارگر دارد، اما از سوی دیگر، همه از این فکر که خود را در تعهدی به این شکل درگیر کنند، وحشت دارند. همه این موارد ما را وامی‌دارد که تلاش کنیم به چیزی غیر ممکن دست‌یابیم؛ برخورداری از یک رابطه مطمئن و در عین حال، آزاد بودن برای گسستن این رابطه در هر زمان که بخواهیم. حتی از این هم بیش‌تر، زندگی و تجربه کردن یک عشق حقیقی و عمیق و پایدار، اما برگشت‌پذیر و با تمایل خود. همچنین باومن به فرهنگ مصرفی و سرمایه داری در دنیای مدرن اشاره می‌کند، چنان که گویی این نگرش به روابط انسانی نیز گسترش پیدا کرده و افراد یکدیگر را به صورت کالا می‌بینند. همان‌گونه که کالاها تاریخ مصرف دارند، گویی روابط نیز دارای تاریخ مصرف هستند و حتی اگر تاریخ مصرف آن‌ها هنوز تمام نشده باشد، ممکن است گزینه‌های بهتر و جدیدتری برای رابطه پیش‌بیاید (باومن، ۱۳۸۴، ۳۱).

پیشینه پژوهش

بررسی و مطالعه پژوهش های انجام شده عوامل و زمینه های گوناگونی را بر بروز روابط فرازناشویی موثر می داند. پژوهش ها متعددی به وجود رابطه بین روابط فرازناشویی و طرحواره های شناختی، گومز و نوبر (۲۰۱۲)؛ نگرش مثبت به روابط فرازناشویی (فایف و همکاران، ۲۰۲۰؛ گارزا، ۲۰۲۰)؛ اختلالات شخصیت (سانسونو وایدمن، ۲۰۱۱)؛ شاتل هربارگنو آلرز، ۲۰۰۹؛ تمرچی و همکاران، ۱۴۰۰؛ میرهاشمی و اکبری مقدم، ۲۰۲۰؛ شاهمرادی و همکاران، ۱۳۹۰؛ رستگار، ۱۳۹۰)؛ وجود سابقه و تجربه روابط فرازناشویی در خانواده مبدا (تورسن، ۲۰۰۷؛ فکور و همکاران، ۲۰۲۴؛ اشمیت، گیرین و پروتی، ۲۰۱۵)؛ نوگالس، ۲۰۰۹؛ اشمیت، ۲۰۱۳؛ هاسلاایمر، ۲۰۱۵؛ گیرین، سیبلی و پروتی، ۲۰۱۵؛ کرامر، مانینگ، جانسون، و آبراهام، ۲۰۰۰)؛ عدم شکل گیری صحیح ازدواج و ازدواج نامناسب (حدادی و همکاران، ۱۳۹۵؛ حبیبی عسگرآباد و حاجی حیدری، ۱۳۹۴)؛ خلاهای عاطفی و عدم صمیمیت مانسج، ۲۰۱۵؛ صادقی فسایی و ملکی پور، ۱۳۹۴)؛ تعارضات زناشویی و ضعف در مهارتهای زندگی (غفوریان نوروزی و همکاران، ۲۰۲۱)؛ فونگ ونگ و تام، ۲۰۰۹؛ راگوف، ۲۰۰۳)؛ وجود رابطه بین روابط فرازناشویی و عدم رضایت زناشویی و مشکلات جنسی (اسکندری و پردین، ۱۴۰۲)؛ عطاپور و همکاران؛ فینچام و می، ۲۰۱۷؛ مارین و همکاران، ۲۰۱۴؛ نوواک، ۱۵ و همکاران، ۲۰۱۴؛ مگان، ۲۰۱۲؛ عزتی و کاکابرایی، ۱۳۹۵؛ حدادی و همکاران، ۱۳۹۵؛ حبیبی عسگرآباد و حاجی حیدری، ۱۳۹۴؛ احمدی، ۱۳۹۱)؛ ضعف در اعتقادات و باورهای مذهبی و عدم پایبندی به اخلاق (فکور و همکاران، ۲۰۲۴؛ فینچام و می، ۲۰۱۷)؛ باردت، ۱۶ و همکاران، ۲۰۰۷؛ حدادی و همکاران، ۱۳۹۵؛ کرمی و همکاران (۱۳۹۵)؛ استفاده از شبکه ها و رسانه های اجتماعی (بیروم (بیروم وند و همکاران، ۱۴۰۲)؛ جهاندار لشکی و همکاران، ۲۰۲۰)؛ فینچام و می، ۲۰۱۷، ۱۷؛ والنزولا، ۱۸ و همکاران؛ نوئل، ۱۹، ۲۰۱۲)؛ لوادا، ۲۰ و همکاران، ۲۰۱۳؛ کریمی زند، بهنودفر، ۱۴۰۲؛ حدادی و همکاران (۱۳۹۵) پی برده اند.

همان گونه که در بررسی پیشینه پژوهش مشخص است تحقیقات متعددی در مورد روابط فرازناشویی در ایران و سایر کشورها صورت گرفته است اما عمده تحقیقات انجام شده تنها از یک جنبه به بررسی موضوع پرداخته و اغلب پژوهش های انجام شده به روش کمی انجام شده است. اما پژوهش حاضر با توجه به ماهیت پیچیده روابط فرازناشویی و کمبود مطالعاتی که از جنبه های

- 1 Gomes & Nobre
- 2 Fife
- 3 Garza
- 4 Sansono Weiberman
- 5 Shuttle Herbergno Allers
- 6 Thorson
- 7 Shmidt, Green & Prouty
- 8 Nogales
- 9 Shmidt
- 10 Haselmayer
- 11 Green, Sibley
- 12 Cramer, Manning, Johnson & Abraham
- 13 Munsch
- 14 Rogoff
- 15 Nowak
- 16 Burdette
- 17 Fincham & May
- 18 Valenzuela
- 19 Noel
- 20 Loada

مختلف فردی، میان فردی و اجتماعی و فرهنگی به بررسی روابط فرزاناشویی زنان بپردازد، سعی دارد با اتخاذ رویکردی کل نگر که فرد و محیط اطرافش را در درک و پرداختن به مسائل اجتماعی در نظر می گیرد، به درکی همه جانبه از این پدیده دست پیدا کند و از آن جا که روش تحقیق کیفی، به دلیل پی بردن به ذهنیت افراد و نگرشهای آنان نسبت به پدیده های اجتماعی، بهتر می تواند به درک درستی از وقایع و الگوهای گسترده در پشت پرده مسائل اجتماعی، بیانجامد پژوهش حاضر سعی دارد با استفاده از روش تحقیق کیفی و اتخاذ رویکرد فرد در محیط به درک عمیقی از مسئله روابط فرزاناشویی در بین زنان بپردازد.

روش پژوهش

روش اصلی پژوهش حاضر، با توجه به ماهیت اکتشافی آن، روش کیفی است و از روش تحلیل محتوای کیفی، از نوع تحلیل مضمون یا تماتیک، برای تحلیل داده های گردآوری شده، استفاده شد این روش از طریق تقلیل داده های کیفی و طبقه بندی آنها سعی در درک معنا دارد و روش مناسبی برای به دست آوردن نتایج معتبر و بینش جدید، از داده های متنی است. مشارکت کنندگان پژوهش، را زنان مراجعه کننده به کلینیک های مددکاری اجتماعی و مراکز مشاوره شهر اسلامشهر (۳ کلینیک مددکاری اجتماعی و ۶ مرکز مشاوره) که تجربه روابط فرزاناشویی داشته و تمایل به همکاری داشتند، تشکیل داده اند. برای انتخاب نمونه ها، در ابتدا نمونه گیری به صورت آسان و در دسترس آغاز و در ادامه جهت دستیابی به حداکثر تفاوت در مفاهیم ایجاد شده از نمونه گیری هدفمند و در نهایت از نمونه گیری نظری (تا زمانی که داده ها به اشباع رسیدند و اطلاعات جدیدی که به تعریف خصوصیات طبقات کمک کند به دست نیامده و بینش و بصیرت جدیدی حاصل نشد) استفاده گردید. با تاکید بر رعایت اصل رازداری حرفه ای و استفاده از اسامی مستعار، اجازه ضبط مصاحبه ها و یادداشت برداری در طول مصاحبه به عمل آمد. در مجموع ۳۴ مصاحبه، انجام شد هر مصاحبه، حدود چهل دقیقه الی یک ساعت به طول انجامید. جهت جمع آوری اطلاعات از تکنیک مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شد محورهای اصلی مصاحبه، در راستای آگاهی از نحوه نگرش، انگیزه ها و محرک های زیربنایی، روابط عاطفی، نیازهای برآورده نشده، آسیب پذیری های شخصی، صمیمیت و پویایی رابطه با همسر، بررسی هنجارهای اجتماعی، عقیدتی، قانونی، ارزش های فرهنگی و نقش های جنسیتی، درک نحوه ادارک افراد از تعریف رابطه فرزاناشویی، اعتماد، خیانت و بخشش مورد تمرکز و توجه پژوهشگر قرار گرفت. بعد از هر مصاحبه، تجزیه و تحلیل با استفاده از روش کدگذاری انجام شد. ابتدا متن مصاحبه ها چندین بار خوانده و مرور شد و سپس کدهای اولیه استخراج گردید و نکات برجسته، واژه ها و عبارات کلیدی در قالب مصداقها (کدهای توصیفی) مشخص شد. در مرحله بعد که تحلیل ها با انتزاع بیشتر و در سطحی بالاتر صورت گرفت، کدهای اولیه به شکل کدهای تحلیلی مورد بازنگری قرار گرفته و بعد از اصلاح، به صورت مضمونها (کدهای تفسیری) تعریف شد و درون مایه های اصلی شناسایی شد. برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد از اقداماتی مانند درگیری مداوم پژوهشگر با فضای پژوهش، پیاده سازی سریع مصاحبه ها و نسخه نویسی از آنها انجام شد و از تکنیک کنترل یا اعتبار یابی توسط اعضا (باز بینی مصاحبه ها و تایید صحت متون پیاده شده و کدهای استخراج شده توسط مشارکت کنندگان) و تکنیک ممیزی (استفاده از نظر متخصصان در حوزه تحلیل محتوای کیفی و نظارت آنان بر مراحل مختلف کد گذاری، مفهوم سازی و استخراج مقولات) استفاده شد. در این پژوهش معیارهایی مانند داشتن حداقل ۳ ماه و حداکثر ۲۰ سال سابقه زندگی مشترک، تجربه روابط فرزاناشویی توسط شرکت کننده، به عنوان معیارهای ورود در نظر گرفته شد ملاک های خروج از پژوهش نیز عدم رضایت برای شرکت در مصاحبه بود و اعلام انصراف مشارکت کنندگان بود.

جدول شماره ۱: مضامین و مفاهیم به دست آمده از مصاحبه‌ها

مضامین اصلی	تعیین کننده های فرعی	کدهای اولیه
عوامل درون فردی	نگرش‌های ناکارآمد، اختلالات روانی، اختلالات شخصیت، ویژگی‌ها و خصوصیات فردی	مجاز دانستن برخی از اشکال ارتباط با جنس مخالف، عدم خود باوری، احساس ناتوانی برای مقاومت در مقابل وسوسه رابطه، کسب اطمینان از جذابیت خود، تجربه زیسته از آسیب‌های خانواده نایمن، داشتن سابقه خیانت در خانواده
عوامل بین فردی	عدم عقلانیت در ازدواج، عدم همسویی و همراهی یکدیگر، کیفیت پایین رابطه جنسی روابط ناکارآمد، خلل عشق و احساس تعلق خاطر به همسر	شکل‌گیری نامناسب ازدواج، عدم علاقه و احساس صمیمیت، احساس عدم درک متقابل، لذت نبردن از همراهی با همسر، رابطه جنسی نامطلوب عدم ارضاء نیازهای جنسی، عدم آگاهی از نیازهای جنس مخالف، عدم یادگیری مهارت‌های ایجاد صمیمیت و تداوم بخشیدن بر آن
عوامل اجتماعی	تغییر ارزش‌ها و ترویج ارزش‌های جایگزین، عرفی شدن دین، تسهیل‌گری تکنولوژی و رسانه‌های مجازی، دشواری‌های طلاق و مسایل پیرامون آن برای زنان	کم رنگ شدن اهمیت پایداری به ارزش‌های سنتی خانواده، افزایش تردیدهایی در مفاهیم و ارزش‌های سنتی، سنت‌گرایی اهمیت یافتن کسب تجربه و گفتمان عشق، کاهش گرایش‌های مذهبی و نقد آن، اهمیت یافتن غریزه و نیاز جنسی، اختصاص زمان طولانی در شبکه‌های اجتماعی، ایجاد فانتزی‌های جنسی، احساس استحقاق و برابری جنس

جدول شماره ۲: ویژگی‌های جمعیت شناختی زوجین دارای تجربه روابط فرازناسویی شرکت کننده در مصاحبه کیفی

کد	نام	میزان تحصیلات	شغل	سن کنونی	سن زمان ازدواج	طول ازدواج	سن کنونی همسر	شغل همسر	تعداد فرزندان
۱	م.ج	دیپلم	خانه دار	۳۱	۲۰	۱۱ سال	۳۳	کارمند	۲
۲	ز.ش	کارشناسی ارشد	کارمند	۳۶	۲۸	۸ سال	۳۷	آزاد	۱
۳	م.ر	سیکل	آرایشگر	۲۳	۱۶	۷ سال	۲۷	آزاد	۱
۴	ط.و	فوق دیپلم	خانه دار	۴۰	۱۵	۲۵ سال	۴۹	آزاد	۰
۵	ن.ی	دیپلم	خانه دار	۲۵	۲۱	۴ سال	۲۴	کارگر	۱
۶	س.ا	کارشناسی	خانه دار	۳۳	۲۸	۵ سال	۳۴	کارمند	۰
۷	س.ز	دیپلم	خانه دار	۲۶	۱۸	۸ سال	۲۹	روز مزد	۱
۸	س.خ	دبیرستان	خانه دار	۲۸	۱۷	۲۱ سال	۴۰	کارگر	۲
۹	ر.ن	دبیرستان	خانه دار	۳۱	۲۱	۱۰ سال	۴۲	کارگر	۲
۱۰	ل.ع	کارشناسی	ماما	۴۲	۲۸	۱۶ سال	۴۵	کارمند	۱
۱۱	ز.گ	کارشناسی	کارمند	۲۸	۲۲	۶ سال	۳۳	آزاد	۱
۱۲	ا.ب	فوق دیپلم	خانه دار	۲۳	۱۹	۴ سال	۲۹	کارگر	۰
۱۳	م.م	دیپلم	خانه دار	۲۱	۲۲	۱ سال	۲۶	بیکار	۰
۱۴	ن.ر	دیپلم	خانه دار	۲۹	۲۵	۴ سال	۳۲	کارگر	۱
۱۵	ص.ف	سیکل	خانه دار	۳۶	۲۸	۸ سال	۴۲	کارگر	۲
۱۶	خ.م	سیکل	خانه دار	۳۸	۱۴	۲۲ سال	۴۱	آزاد	۲
۱۷	ر.ش	دیپلم	آرایشگر	۲۶	۱۷	۹ سال	۳۹	روزمزد	۱
۱۸	ف.ص	دیپلم	خانه دار	۳۰	۱۸	۱۲ سال	۳۸	مهندس	۲
۱۹	م.ا	دبیرستان	خانه دار	۲۲	۲۱	۱ سال	۲۸	آزاد	۰
۲۰	ل.س	کارشناسی	خانه دار	۳۵	۲۰	۱۵ سال	۴۱	آزاد	۲
۲۱	ز.گ	کارشناسی	کارمند	۳۷	۲۹	۸ سال	۴۴	مغازه دار	۱

کد	نام	میزان تحصیلات	شغل	سن کنونی	سن زمان ازدواج	طول ازدواج	سن کنونی همسر	شغل همسر	تعداد فرزندان
۲۲	م.ف	سیکل	خانه دار	۳۹	۳۰	۹ سال	۴۵	کارگر	۲
۲۳	ز.م	دبیرستان	خانه دار	۴۳	۲۲	۲۱ سال	۴۲	کارگر	۳
۲۴	م.ط	دیپلم	خانه دار	۲۹	۲۳	۶ سال	۳۱	مدیر	۱
۲۵	أ.ص	فوق دیپلم	معلم	۳۳	۲۵	۸ سال	۳۳	بیکار	۰
۲۶	م.ع	دیپلم	خانه دار	۴۹	۲۷	۲۲ سال	۵۵	آزاد	۲
۲۷	م.ل	کارشناسی	خانه دار	۴۲	۲۴	۱۸ سال	۴۷	مهندس	۴
۲۸	ف.ن	دبیرستان	خانه دار	۲۴	۱۳	۵ سال	۲۷	آزاد	۱
۲۹	م.ی	دیپلم	بهیار	۲۲	۱۸	۴ سال	۲۵	کارمند	۰
۳۰	ب.د	دیپلم	منشی	۳۳	۲۷	۶ سال	۳۲	کارگر	۱
۳۱	م.ک	دیپلم ردی	خانه دار	۲۸	۲۲	۶ سال	۳۳	معلم	۲
۳۲	ا.ع	سیکل	خانه دار	۳۶	۱۷	۱۹ سال	۳۸	کارگر	۱
۳۳	ن.ج	فوق دیپلم	کارمند	۳۷	۳۳	۴ سال	۳۹	کارگر	۱
۳۴	م.ز	فوق دیپلم	خانه دار	۲۷	۱۶	۱۱ سال	۳۶	معلم	۲

یافته‌ها

در نمونه پژوهش حاضر، میانگین سنی زنان شرکت کننده در مصاحبه (۳۲/۱۷) سال و میانگین سنی همسران آنان (۳۶/۲۹) سال است. در دو مورد از شرکت کنندگان، سن زن بیشتر از مرد بود. میانگین اختلاف سنی در زوجین (۲۹/۴) سال بود. از نظر وضعیت اشتغال، (۷۳/۵۲٪) زنان خانه دار بودند، (۲۳/۵۲٪) شاغل بوده و (۲/۹۴٪) دانشجو بودند، میانگین سن زنان در هنگام ازدواج (۲۱/۷) سال بود. از نظر تحصیلات، (۱۷/۶٪) زنان مدرک کارشناسی، (۱۴/۷۶٪) دارای مدرک کاردانی، (۳۸/۲۳٪) مدرک دیپلم (۳۲/۳۵٪) هم مدرک زیردیپلم داشتند. میانگین طول مدت ازدواج این زوجین نیز، (۱۰/۲۶) سال بود. (۷۹/۴۲٪) از آنان دارای فرزند بودند و (۲۰/۵۸٪) مشارکت کنندگان فرزندی نداشتند

عوامل درون فردی

عوامل درون فردی دربردارنده مفاهیمی همچون نگرش ناکارآمد، الگوهای شناختی نامناسب برخواسته از باورها و طرحواره های جهت گیرانه افراد نسبت به خود، اطراف، جهان و آینده است (باقری و همکاران، ۱۳۸۵)، و به معیارهایی غیر منطقی، انعطاف ناپذیری اشاره دارد که ملاک قضاوت و رفتار افراد قرار می گیرد. از آنجا که این نگرشها انعطاف ناپذیر، افراطی و مقاوم در مقابل تغییر است، ناکارآمد محسوب می شود. نگرشهای ناکارآمد با رفتار، افکار و احساسات تعامل برقرار میسازد و باعث سوگیری ادراک و فهم افراد از رویدادها شده و احساس، نحوه تعاملات و عملکردشان را تحت تأثیر قرار می دهد (فام^۱، ۲۰۱۷). داشتن نگرشهای ناکارآمد، می تواند موجب تشدید مشکلات و اختلافات زوجین شود.

از رفتاری همسر می فهمیدم منو دوست نداره وقتی با هیچ کارم موافقت نمیکنه یعنی دوستم نداره وقتی می بینم دوستم نداره افسرده میشم ، احساس بی ارزشی می کنم همیشه دوست دارم همه باهام خوب باشند، هر چی میگم قبول کنن مخصوصا شوهرم...دوستم داشته باشن وقتی این طور نباشه حالم گرفته است ترجیح میدم باهاش قهر کنم(لیسانس، کارمند))

اتخاذ نگرش های ناکارآمد، مانند توقعات غیر واقع بینانه، انتظار خوشی دائم در زندگی، کمال گرایی و انتظار نداشتن هر گونه تنش و اختلاف و... می تواند موجب دلسردی فرد از وضعیت موجود شده و تحمل و سازگاری با سختی های زندگی که وقوع آن ها در هر زندگی اجتناب ناپذیر است بسیار بزرگ و غیرقابل حل به نظر برسد و باعث ناامیدی و در نهایت موجب اتخاذ رفتارهایی شود که منجر به جدایی عاطفی نسبت به همسر شود.

ویژگی های شخصیتی به ویژگی هایی مانند برونگرایی^۱ (درجه اجتماعی بودن، تهییج پذیری مثبت و فعالیت های کلی)، قابلیت سازگاری^۲ (نوع دوستی و همدلی و تمایلات و گرایش های همکاری)، گشودگی^۳ (سطوح حس کنجکاوی، قضاوت و محافظه کاری)، وجدان^۴ (خود کنترلی) و روان رنجوری^۵ (تمایل برای تجربه کردن عواطف منفی و پریشانی روانی در پاسخگویی به عوامل استرس زا) اشاره دارد ویژگی های شخصیتی، مجموعه ای از رفتار و شیوه های تفکر شخص در زندگی است که نسبتا ثبات و پایدار بوده و با اثر گذاری بر زمینه هایی مانند بینش، هیجان خواهی، ثبات احساسی، علایق، الگوهای تعاملی و...، عملکرد و شناخت فرد را تحت تأثیر قرار می دهد.

اختلالات شخصیت به دلیل این که موجب می شود افراد مبتلا، قادر به تمایز حقیقت از باورها و اعتقادات خود نباشند، در تعاملات خود با همسرانشان در بسیاری از جنبه های زندگی، از جمله روابط جنسی و عاطفی، دچار مسئله شوند، آسیب زاست. وجود برخی از اختلالات شخصیتی و ویژگی های رفتاری در افراد، احتمال افزایش روابط فرازناشویی را افزایش می دهد. از بین اختلالات شخصیت، اختلال شخصیت خودشیفته، اختلال شخصیت نمایشی، اختلال شخصیت مرزی، احتمال بروز روابط فرازناشویی را در افراد افزایش می دهد.

«یه سری با شوهرم رفتیم پیش روان شناس اونهم فرستادم پیش روانپزشک کلی بهم دارو داد و گفت شخصیت مرزی داری همینه که در عین حال که به همسرت می چسبی باهاش دعوای شدید هم راه میندازی و ازش فاصله می گیری... شوهرمم از این موضوع سو استفاده میکنه». (لیسانس، خانه دار)

برخی ویژگی های شخصیتی، از طریق عدم قبول مسئولیت پذیری، خود محوری و اثر گذاری بر نگرش، شناخت و عواطف و تمایز نیافتگی (محور قرار دادن هیجانها به جای منطق) می تواند منجر به تشدید اختلافات زوجین گشته و تعاملات آنان را با یکدیگر، خانواده ها و اطرافیان متاثر کند (تمایز نیافتگی) و موجب تشدید مشکلات و فاصله گرفتن زوجین از یکدیگر، افزایش نارضایتی و زمینه ساز روابط فرازناشویی گردد. به نظر می رسد اختلالات شخصیت به دلیل این که موجب می شود افراد مبتلا، قادر به تمایز حقیقت از باورها و اعتقادات خود نباشند، در تعاملات خود با همسرانشان در بسیاری از جنبه های زندگی، از جمله روابط جنسی و عاطفی، دچار مسئله شوند.

1 extravision
2 agreeableness
3 openness
4 Conscientious
5 Neuroticism

اختلال کنترل تکانه یک اختلال تکانشگری و وسواسی است که در آن فرد نمی تواند جلوی فکر وسواسی و آسیب زا را بگیرد و تا آن کار را انجام ندهد راضی نمی شود. در واقع کنترل تکانه به این معناست که فرد قادر است قبل از انجام هر کاری جوانب مختلف آن را بررسی کرده، و به دلیل عواقب منفی، از لذت آن کار صرف نظر کند. اما بسیاری از افراد درگیر اختلال کنترل تکانه با وجود آگاهی از عواقب منفی کارشان، برای کسب لذت دوباره آن عمل مخرب را انجام می دهند.

«نمی توانم جلوی خودمو بگیرم تا وقتی این رابطه رو برقرار نکنم آرام و قرار ندارم وقتی فکرش به سرم میزنه باید این کارو بکنم اگر نکنم همه چیز به هم می ریزه، استرس می گیرم تمرکز ندارم... به خاطر همین تموم ذهنم درگیره اینه که هر جوری هست این کار رو انجام بدم. بعدش اما عذاب وجدان می گیرم و به خودم قول می دم این آخرین باره...» (دیپلم، آرایشگر)

رابطه با جنس مخالف قبل از ازدواج

روابط جنسی پیش از ازدواج، تأثیرات منفی چون ترس، بیزاری، عدم اعتماد به نفس، کج خلقی و حالت‌های هیپوکندریایی، احساس گناه و یا عدم خجالت در روابط بین فردی را به همراه دارد. در فرهنگ‌های دیگر نیز اغلب پژوهش‌ها رابطه منفی روابط پیش از ازدواج با کیفیت زناشویی و رضایت زناشویی را گزارش کرده اند. بر اساس مطالعه تریز و گیسن زوج‌هایی که قبل از ازدواج با یکدیگر زندگی مشترک غیر رسمی دارند، حتی اگر ارزش‌های جنسی و مذهبی خود را رعایت کنند، باز هم احتمال خطر روابط فرازناشویی تا ۳۹٪ افزایش می یابد (تریز، جودیت و گیسن، ۲۰۰۰، ص ۵۴).

«من دوران مجربیم با چند نفر سکس داشتم اوایل برای کنجکاوی بود تو سن نوجونی. بعد از یه مدت دیگه عادت کرده بودم این کار رو انجام بدم بعد از ازدواجم شاید یه خورده کمتر شد اما به هر حال رابطه دارم.»

مشکلات خانواده مبدأ، محرومیت‌ها و سختگیری‌های متعصبانه و تجربه روابط جنسی قبل از ازدواج یکی دیگر از مواردی بود که در طول مصاحبه‌ها، توسط مشارکت کنندگان مورد اشاره قرار گرفت. به نظر می رسد وجود حساسیت‌های سنتی موجود در جامعه ایران درباره روابط دختران با پسران و ایجاد محدودیت‌های فراوان برای آنان و عدم پذیرش کوچکترین ارتباطات معمول با جنس مخالف به ویژه برای فرزندان متولد دهه پنجاه و شصت موجب رواج برخی ناهنجاری‌ها و نمودار شدن تضادهای هنجاری در این زمینه شده است.

«من خانواده خیلی سختگیری داشتم خانواده ای که دختراشونو محدود می کرد حتی حق ادامه تحصیل هم به من و خواهرم ندادن و در عوض خیلی به برادرم بها می دادن... من همیشه از این خونه سعی می کردم فرار کنم. تو دوران مجردی با خیلی از پسرا رابطه برقرار کردم تو همون جلسه اول هم با همشون سکس داشتم فقط می خواستم از مادرم و از بقیه انتقام بگیرم بعد از ازدواج هم همینطور هستم.»

وجود سابقه خانوادگی روابط فرازناشویی

وجود سابقه خانوادگی روابط فرازناشویی، میتواند فضا را برای روابط فرازناشویی افراد در آینده آماده کند (تورسن، ۲۰۰۷). به طوری که روابط فرازناشویی والدین پیش بینی کننده روابط فرازناشویی فرزندان در بزرگسالی است.

«پدرم که به مادرم خیانت میکرد، مادرم خیلی زجر می کشید هر بار که خیانت میکرد مادرم شکسته تر می شد. از همون موقع فهمیدم هیچ مردی قابل اعتماد نیست... نمی خوام سرنوشتم مثل مادرم باشه». (لیسانس، خانه دار)

عوامل فردی مربوط به همسر، به عوامل و ویژگی‌هایی در همسران اشاره دارد که می‌تواند زمینه ساز بروز روابط فرازنشویی در زنان شود. از جمله این موارد وجود نگرش‌های ناکارآمد، اختلالات روانی، اختلالات شخصیتی در مردان و اعتیاد و بیماری جسمی در آنان می‌باشد. وجود برخی از اختلالات شخصیتی و ویژگی‌های رفتاری در همسر زنان مورد مصاحبه قرار گرفته، احتمال افزایش روابط فرازنشویی را برای زنان افزایش می‌دهد از جمله این موارد می‌توان به اختلال شخصیت خودشیفته، شخصیت پارانوئیدی شخصیت سلطه جو، شخصیت دوری‌گزین. و... و نیز رفتارهای تحقیر آمیز و دفع‌کننده در زوج اشاره کرد

«شوهرم آدم ضعیفیه تو خونه همیشه حرف حرف منه... همسرم خیلی بهم آزادی میده دفعه اول که فهمید بهش خیانت کردم سریع منو بخشید من بازم بهش خیانت کردم همسرم هم می‌دونه اما چیری نمی‌گه نمی‌دونم شاید داره بهم باج می‌ده آخه شاید اگر این قدر با این قضیه راحت برخورد نمی‌کرد من هم تلاش می‌کردم جلوی خودمو بگیرم اما الان میگم حتما یه چیزی هست که بهم حق می‌ده». (دیپلم، خانه دار)

عوامل بین فردی

عوامل بین فردی دربردارنده مفاهیمی همچون شکل‌گیری نادرست ازدواج، عدم همسویی و همراهی، کیفیت پایین رابطه جنسی روابط ناکارآمد و خلل عشق و احساس تعلق خاطر به همسر می‌باشد.

انتخاب همسر که یکی از مهمترین انتخاب‌های همه افراد در طول زندگیشان تلقی می‌شود باید آگاهانه، آزادانه و خود خواسته باشد. اما در عمل بسیاری از شرایط باعث می‌شود افراد در مهمترین انتخاب زندگی خود، از روی احساس، جبر محیطی، نا آگاهی و تحت تأثیر نگرش‌های آرمانی و انگیزه‌های نامناسب قرار گرفته و بدون عقلانیت دست به اقدام و انتخاب بزنند. بین عدم رضایت از زندگی زنشویی و روابط فرازنشویی، رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد. این عدم رضایت می‌تواند گستره وسیعی از عوامل عاطفی تا جنسی را در بر بگیرد. از این رو ازدواج‌های ناخواسته، آشنایی‌های ابتدایی و ناکافی به ویژه در شیوه‌های غیر منعطف ازدواج سنتی با تأکید بر انتخاب و تصمیم‌گیری محض توسط خانواده‌ها، سن پایین در هنگام ازدواج، عدم بلوغ فکری و اجتماعی، عدم آشنایی با مهارت‌های جنسی و شیوه برقراری ارتباط جنسی صحیح، عدم آشنایی با معیارهای مناسب در انتخاب همسر، عدم توجه به تفاوت‌های فرهنگی، اعتقادی و... می‌تواند منجر به نارضایتی از زندگی مشترک و در نتیجه افزایش احتمال بروز روابط فرازنشویی در زندگی مشترک شود. این انتخاب، همچنین می‌تواند تحت تأثیر نگرش‌های آرمانی و انگیزه‌های نامناسب قرار گرفته و باعث شود افراد در مهمترین انتخاب زندگی خود، از روی احساس، جبر محیطی و ناآگاهی دست به انتخاب بزنند.

«تنها دلیل من برای ازدواج فرار از خونه بابام بود. دعوای پدر و مادرم، گیر دادن‌های برادرانم و غیرتی‌هایشون بود. محدودیتایی که داشتم منو خسته کرده بود از بچگی هر روز از داداشام کتک می‌خوردم که چرا میری بیرون، چرا می‌خندی، چرا، چرا، چرا... همین شد که به اولین خواستگارم جواب مثبت دادم با خودم فکر میکردم که فقط باید از این خونه و گیرای برادرانم فرار کنم حتی اگر دوستم نداشته باشم دیگه از خونه خودمون که نمی‌خواد بدتر باشه... من خیلی تو شرایط بدی بودم». (دبیرستان، خانه دار)

ارتباط ناکارآمد

گفتگوهای صمیمانه یکی از مهم‌ترین و موثرترین شیوه‌های افزایش صمیمیت بین اعضای خانواده است. اما این کار نیازمند تقویت مهارت‌های گفتگو و توجه به کیفیت گفتگو دارد. گفتگو مهم‌ترین مهارت در تحکیم بنیان و ایجاد فضای گرم در خانواده‌ها و فرصتی

است تا افراد علایق، صمیمیت و کدورت های خود را ابراز و فاصله بین یکدیگر را کاهش دهند. ضعف در این مهارت می تواند در ایجاد فاصله عاطفی بین زوجین نقش داشته باشد.

«من و شوهرم شاید در روز ده کلمه هم با هم حرف نمی زنیم اوایل این طور نبودا من میرفتم یه جوری سر صحبتو باز می کردم اما دیگه خسته شدم گفتم خوب یه بارم اون بیاد حرف بزنه باور کن ... گفتم ازش درباره چیزایی که دوست داره بپرسم اما بی فایده بود همش اره، نه، یادم نیست و... منم بی خیال شدم».

تحقیر و توهین به همسر، یکی دیگر از مهمترین ارتباطات ناکارآمد بین زوجین است که ضمن لطمه زدن به اعتماد به نفس طرف مقابل، باعث ایجاد سبک دل بستگی نا ایمن و فاصله گرفتن زوجین از یکدیگر می شود.

«تو زندگی هیچ وقت از رابطمون خوشحال نبودم همسرم مدام منو تحقیر می کرد. من بر خلاف همسرم و خانواده اش، پوستم تیره است همش به من می گفت مادرت تو رو به من انداخت، مثل کرگدن میمونی، منم تو رو نگه داشتم، یه ذره زنانگی نداری، همش مقایسه همش تحقیر و...» (سیکل، خانه دار)

عدم درک متقابل و عدم آگاهی همسران از شرایط روحی و روانی زنان، یکی از مهمترین عواملی است که روی کیفیت روابط زوجین اثرات منفی خواهد داشت. ضعف در مهارت همدلی و احساس مورد بی توجهی قرار گرفتن، سبب دلزدگی زناشویی و ایجاد شکاف عمیق عاطفی بین زوجین می شود و به دلیل عدم مهارت حل مسئله، پناه بردن به روابط مجازی جایگزین رابطه عاطفی به همسر می شود. با گسترش شبکه های اجتماعی، افراد زیادی، به فضای مجازی به عنوان یک جایگزین تأمین نیازهای جنسی و عاطفی و برآوردن انتظارات تأمین نشده در رابطه با همسر و فرار از تنهایی می نگرند. در این مواقع، زوجین، به جای حل مشکلات ارتباطی خود و تلاش برای حل مسائل و مشکلات، به شبکه های مجازی و دوستی های پنهان متوسل شده و از این طریق در صدد جستجوی محبت، آرامش، عشق و رضایتمندی هستند.

«بعد از تولد بچم افسردگی دوران بارداری داشتم و از نظر روحی داغون بودم اما نرفتم پیش روان شناس... اولین بچم بود سنم کم بود سر کارم باید میرفتم خیلی به من فشار میاورد شوهرم همش ازم ایراد می گرفت همه جا مخصوصا جلوی خونوادش از بی عرضگی می گفت اعتماد به نفسمو کامل از دست داده بودم حتی جرات نمی کردم بچمو ببرم حموم... بعدش از هم فاصله گرفتیم خیلی کاری به کار هم نداشتیم من از لج بازی با اون رفتم اینستا بعدا فهمیدم اونم همین کار رو کرده... دیگه نمی تونیم به هم اعتماد کنیم».

گفت و شنود موثر، رابطه شفاف و بیان مستقیم خواسته ها و انتظارات، همراهی و مشارکت در تصمیم گیری ها، سعی در تمرکز بر علایق همسو، نشان گر یک الگوی ارتباطی سالم است و بر عکس ضعف در مهارت های گفت و گو، مذاکره، برقراری روابط صمیمانه، حل مسئله و حل تعارضات زناشویی، باعث بروز مشکلات متعدد بین زوجین و گسست عاطفی زوجین است. ضعف در مهارت همدلی، ارتباط مؤثر و مهارت حل مسئله از مهمترین مهارت های مورد نیاز برای حل اختلافات و تعارضات زناشویی است. عدم تسلط بر این مهارت ها، تعارضات و نارضایتی های زیادی برای زوجین ایجاد می کند که به مرور زمان منجر به گسست عاطفی بین زوجین می شود و وجود تعارضات زناشویی همیشگی و عدم احساس رضایت مندی در کنار یکدیگر، از عوامل اصلی برای کشانده شدن زنان به روابط فرازناشویی می باشد.

گاهی برخی از زوجین، به دلیل عدم تسلط بر مهارت حل مساله در چرخه معیوب لجبازی و جبران های افراطی گرفتار شده و برای برتری جویی و حفظ نقش های خود اشتباهاتی اساسی و مخرب انجام می دهند که به اعتماد آنان ضربه وارد می کند.

«میدونم کار من درست نبوده و نیست اما شوهرم خودش شروع کرد وقتی اون به حساسیتهای من و خط قرمزای من اهمیت نده منم این حقو به خودم میدم به خواسته هاشو و خط قرمزش توجه نکنم ازش خواستم عذر منیشو بخواد اخراجش که نکرد هیچی سر اون یه دعوای حسابی با من راه انداخت حتی اون منشیه هم فهمید...» (دیپلم، خانه دار)

عدم همسویی و همراهی زوجین با یکدیگر

وجود توافق و بینش مشترک، سبب کاهش منازعات و در نتیجه افزایش جاذبه بین همسران، پایداری ازدواج و توانایی در حل و رفع منازعات می شود. به عبارت دیگر، همسانی، همسویی و هماهنگی، موفقیت زناشویی را بیشتر میکند و ناهمسانی، ناسازگاری و ناخشنودی را در پی دارد. همچنین زوجینی که در رابطه با اهداف زندگیشان (دوستان مشترک، اعتقادات مشابه و...) یکدیگر را تایید میکنند و در مورد عقاید کلیدی، شباهت کافی با یکدیگر دارند، میتوانند از بروز اختلاف نظرهای جدی در مورد موضوعات، جان سالم به در برند.

«اصلا من و شوهرم هیچ شباهت و نقطه مشترکی نداریم... اون تو یه عالمی سیر میکنه من تو یه عالم دیگه خیلی از هم فاصله داریم. من عاشق تفریح، موسیقی مسافرت و خوش گذرونی با دوستانم با خانواده ام هستم اما شوهرم فقط سرش تو حساب کتابه اصلا از مهمونی و شلوغی خوشش نمیاد». (کارشناسی ارشد، کارمند)

خلل در عشق و احساس تعلق خاطر به همسر

«شوهرم خیلی سرده اصلا بهم محبت نمیکنه یه کلمه عاشقانه یه دوست دارم ساده بهم نگفته اوایل میگفتم بزار من بگم شاید چون خواهر نداره مادرش پیره یاد نگرفته اما فایده نداشت نه به زبون میورد نه چیزی اینقدر بهم محبت نمی کرد یه بار بهش گفتم حتی اگر دوستم نداری بهم الکی بگو که داری...». (دبیرستان، خانه دار).

عدم دریافت احساس همراهی همسر و عدم احساس امنیت در رابطه یکی از زمینه های خلل در عشق و احساس تعلق همسر و احساس ارزشمندی در رابطه می باشد و از آنجا که یکی از اساسی ترین نیازهای زنان در روابط صمیمی با همسرشان داشتن احساس امنیت است، عدم دریافت احساس امنیت میتواند موجب احساس ارزشمند نبودن و در نتیجه عدم رضایت از زندگی مشترک می شود. امنیت احساسی و عاطفی موجب می شود احساس عمیق و درونی در مورد اینکه رابطه زناشویی، رابطه ای محکم و استوار و قابل اتکا است به افراد دست دهد و موجب شود همسرشان را در عشق و علاقه جدی و ثابت قدم و متعهد احساس کنند. اطمینان یافتن زنان از عشق، تعهد و پابندی همسر، یکی از مؤثرترین روشهای تولید احساس امنیت روانی در آنان است.

«شوهرم هیچ وقت پشت من نیست همیشه همه درست میگن من غلط میگم فرقی نمیکنه اصلا بدون این که بدون موضوع چیه حالا اون یه نفر خونوادش باشن، همسایه باشه، غریبه باشه، اصلا یه بچه باشه همیشه حق با همه است غیر از من، سر همه چی با من عوا میکنه وکیل مدافع همه هست... هیچ وقت براش ارزشی نداشتم». (سیکل، آرایشگر)

در این رابطه می توان گفت در حالی که ازدواجهای پایدار با همسویی در افکار، باورها و نگرشها، مشورت و همفکری و تصمیم گیری مبتنی بر اشتراک گذاری افکار و ایده ها همراه است و باعث پویایی رابطه و افزایش رضایتمندی در رابطه زوجین می شوند و از این طریق، احتمال بروز روابط فرازناشویی را کاهش می دهند عدم همسویی در افکار، علایق، اولویت های زندگی، می تواند در شکل گیری صمیمیت لازم بین زوجین خلل ایجاد کند و زمینه ساز عدم درک متقابل و جدایی زوجین را فراهم آورد.

کیفیت پایین رابطه زناشویی

فعالیت و میل جنسی بخش جدایی ناپذیر ازدواج است. رضایت جنسی رضایت از زندگی مشترک را بین زوجین تحت تأثیر قرار می دهد. رضایتمندی جنسی به عنوان وضعیتی تعریف شده که در آن همسران با تمایلات جنسی و کمیت و کیفیت جنسی سازگار شده باشند.

«خوب من با عشق و علاقه با همسرم ازدواج کرده بودم. من برای خاطر اون هر کار میکردم و چون عاشقش بودم خیلی از چیزا رو مهم نمی دونستم یکیش رابطه جنسی ما بود خوب هر موقع خودش لازم داشت میومد سراغ من هر جوری که خودش می خواست رفتار می کرد من الکی می گفتم خوبه و راضی شدم که بی خیال بشه اما به مرور دیگه حتی نمی تونستم نقش بازی کنم وقتی میومد ستمم بدم میومد» (دیپلم، خانه دار)

مشکل عدم مهارت در رابطه جنسی، یکی از مشکلات بزرگی که زوجین با آن روبرو هستند است و آنجا که هیچ آموزش جنسی به افراد داده نمی شود بسیاری از افراد ناگزیر از مراجعه به آموزش های غیر معتبرند که گاهی باعث ایجاد تصورات و توقعاتی در افراد می شود که لزوما صحیح و مطابق با واقعیات نیست و می تواند زمینه ساز ناامیدی جنسی افراد شده و موجب احساس عدم رضایت آنان از رابطه جنسی را فراهم آورد. همین مسئله باعث احساس خشم و دوری زوجین از یکدیگر می شود که تبعات زیادی را برای آنان در بر خواهد داشت که از آن جمله برقراری روابط فرازناشویی برای صورت تجربه لذتی است که تا کنون تجربه نکرده اند.

«شوهرم تحت تأثیر حرفایی که از دوستاش شنیده بود از اول ازدواج، روش مناسبی برای رابطه زناشویی منم خبلی اذیت شدم بعد از اینم که فهمید حرف اونا غلط بوده خواستم بریم پیش یه مشاوره چیزی اما میگه نیازی نیست و خودم حلش میکنم» (دیپلم، خانه دار)

تفاوت در تمایلات جنسی زن و شوهر، روابط نامتعارف، عدم توجه به تمایلات و خواسته های زنان، خودمحوری همسر، اختلالات و انحرافات جنسی همسر یکی دیگر از مواردی بود که زنان در مصاحبه به آن اشاره کردند.

«شوهرم روابطی رو از من می خواست و مجبورم می کرد که هیچ تمایلی بهش نداشتم حتی بهم می گفت تو بزار من این رابطه رو داشته باشم عوضش بهت پول می دم... به جای این که این پولو به یه زن دیگه بدم می دم به تو... این نارضایتی من از زندگی مشترک به خاطر رفتارهای نادرست شوهرم به خاطر رابطه زناشویی منم که باعث شده من هیچ تمایلی به ادامه این زندگی نداشته باشم. همین مسأله باعث از بین رفتن عشق و علاقه من نسبت به اون و برقراری رابطه با مرد دیگری شده است.» (دیپلم، خانه دار)

عوامل اجتماعی

عوامل اجتماعی دربردارنده مفاهیمی همچون تغییر ارزش ها و ترویج ارزش های جایگزین، عرفی شدن دین، تسهیل گری تکنولوژی و رسانه های مجازی و دشواری های طلاق و مسایل پیرامون آن برای زنان می باشد.

تغییر ارزش ها

ارزش ها یکی از اجزای اصلی فرهنگ و نظام شخصیتی افراد جامعه است و تغییر در ارزش ها، یکی از اساسی ترین تغییرات است. ارزش ها به عنوان یکی از موثرترین ابزارهای فرهنگی، تأثیر بسزایی بر هنجارها، الگوهای فکری و رفتاری، رفتارها و ترجیحات فردی، اجتماعی و... دارند. از آنجا که ارزش ها زیربنا و الگوی رفتار و اعمال به شمار می آیند و نقش اساسی در کنش های

انسانی دارند، تغییر در ارزش ها می تواند بسیاری از مسائل مربوط به حوزه خانواده را تحت تاثیر قرار دهد که همین امر خانواده ها را آسیب پذیرتر کرده و به سوی دگرگونی نگرش ها، ارزش ها و روابط و نقش ها پیش می برد. لذا می توان ریشه بسیاری از نابسامانی های خانواده را در تغییر ارزش های خانوادگی و یا در نتیجه تغییر ارزش ها دانست.

«مادرم میگفت اگر شوهرت اخلاق نداره گذشت کن به آبروی ما فکر کن اگر پول نمیده گذشت کن اگر کتک میخوری به خاطر بچه هات گذشت کن. اونا نسل قدیمن از زندگی چی میفهمن یاد گرفتن بسوزن و بسازن با همین حرفاش منو تو پونزده سالگی شوهر داد و بدبختم کرد... همیشه به حرف قدیمیا خودتو بدبخت کنی من باید ببینم الان جامعه چه طوریه الان داشتن دوست پسر طبیعی به خدا یه کسای به شوهرای بیچارشون خیانت میکنن که کمتر از گل بهشون نمیکه...». (فوق دیپلم، خانه دار).

تسهیل گری تکنولوژی و رسانه های مجازی

این درون مایه از مفاهیم عضویت در شبکه های اجتماعی، استفاده فراوان از تلفن همراه، برنامه های ماهواره ای، ایجاد فانتزی جنسی استخراج گردید. رسانه های جمعی، درانتقال دانش ها، مهارتها، نگرش ها، باورها و ارزش ها نقش مهمی دارند که همین امر می تواند به شکل گیری و تغییر شناخت ها، عقاید، درونی کردن ارزش ها و ضد ارزش ها و رفتار جوامع منجر شود. رسانه نقش به سزایی در درونی کردن ارزش ها و هنجارهای اجتماعی دارند. افزایش روزافزون رسانه های ارتباطی، شبکه های مجازی و فناوری های ارتباطی نوین و نقش پررنگ آن در مصرف فرهنگی و فراغتی افراد جامعه و قابلیت ارائه الگوهای ذهنی و عملی رفتار به افراد، آموزش ها، القائات و تبلیغات، می تواند با اثر گذاری بر سلیقه ها، نیازها و سبک زندگی، ترویج نسبیته گرایي در اخلاق و تأثیر بر احساسات، باورها و ارزش ها، نقش تعیین کننده ای در شکل گیری نگرش و رفتار افراد داشته باشد. همچنین به نظر می رسد. شبکه های اجتماعی و دنیای مجازی با رخنه کردن در زندگی افراد تأثیر به سزایی در شکل دهی به رفتار و نگرش افراد داشته و می تواند در تغییر ارزش ها و عادی سازی و بدل کردن اموری مانند داشتن رابطه موازی به یک هنجار، حساسیت نسبت به این موضوعات خارج از عرف جوامع را کاهش دهد و آسیب زیادی بر ثبات و پایداری خانواده وارد سازد. زمانی که در دایره تعاملاتمان (واقعی یا مجازی) با افرادی در ارتباط باشیم که نسبت به روابط فزانشویی، نگرش سهل انگارانه ای دارند و حتی نسبت آن بی میل نیستند، امکان ارتکاب آن افزایش می یابد. در حقیقت ارتباط نزدیک با افرادی که تعهد چندانی به هنجارها و قواعد اجتماعی مربوط به زندگی خانوادگی ندارند، می تواند هنجارهای اخلاقی و اعتقادی سایر افراد را نیز تضعیف کند.

«از سر بیکاری میرفتم اینترنت چت می کردم خیلی براشون عادی بود حرفای نامربوط بزنی و بهم دیگه پیشنهاد دوستی، رابطه و... می دادن وقتی میگفتم ولم کنید متاهلم وجواب منفی می دادم تازه پیشنهادشون بیشتر هم می شد. برام عجیب بود اما برای اونها خیلی عادی بود. تو گروه های تلگرام هم همین طور بود حرفایی که می زدن ابراز محبتایی که زن متاهل با مرد متاهل داشت و قرار بیرون رفتن و...» (فوق دیپلم، خانه دار)

فانتزی جنسی به اعمال و رفتاری که در مورد رابطه جنسی در ذهن افراد شکل گرفته و تفکراتی که افراد را تحریک می کند تا در رابطه جنسی به دنبال رفع نیاز آن باشند، اشاره می کند. ممنوعیت فرهنگی و اجتماعی، فانتزی جنسی افراد را افزایش می دهد که می تواند مسائل جنسی زناشویی را متاثر کرده و سطح انتظارات از همسر را بالا ببرد. به طوری که از آن، به عنوان عامل تقویت کننده کاهش رضایت جنسی و کاهش سلامت جنسی یاد میشود. شکاف بین واقعیت و خیال موجب فرا رفتن انتظارات از واقعیت ها شده و افراد، بیشتر از قبل احساس محرومیت جنسی می کنند. تحت تاثیر رسانه، همچنین زنان نسبت به گذشته انتظار دریافت لذت جنسی را دارند و نمی خواهند صرفا خدمات جنسی ارائه دهند، البته این نیاز به ویژه در زنان در ارتباط با نیازهای مهم دیگری همچون نیاز به

امنیت روانی و نیاز به احترام شکل می‌گیرد و به همین دلیل است که کیفیت رابطه جنسی نه فقط توسط نیاز جنسی، بلکه در ارتباط با ارضاء نیازهای عاطفی و روحی شکل می‌گیرد و ماهیت آن بیشتر عاطفی است.

«اوایل ازدواج فکر می‌کردم زندگی زناشویی ما مشکل خاصی ندارد و همه چیزهایی که دیگران تو زندگی مشترک دارند ما هم داریم چون اطلاعات جنسی من خیلی کم بود مخصوصاً که در سن پایین ازدواج کرده بودم اما با دیدن چند تا فیلم تو ماهواره و خوندن مطالب تلگرام فهمیدم که زندگی متاهلی اونجوری نیست که من تصور می‌کردم و خیلی احساس کمبود می‌کردم من اصلاً نمی‌دونستم زن‌ها هم میتونن از رابطه لذت ببرن.... احساس می‌کردم که خیلی تا الان اشتباه زندگی کرده بودم». (سیکل، آرایشگر)

فضای مجازی همچنین به سبب ویژگی‌هایی مانند واقعی و ملموس نبودن (و در نتیجه بی‌ضرر دانستن آن)، ناشناخته ماندن برای دیگران، کم‌هزینه بودن، بی‌نیازی از اعتماد به نفس و جرأت‌ورزی که در ارتباط‌های واقعی مهم و مؤثر است، می‌تواند زمینه مناسبی را برای درگیر شدن در روابط عاطفی - جنسی و یا سوء استفاده از افراد را فراهم سازد. کم‌رنگ شدن روابط عاطفی در زندگی زناشویی به واسطه حضور در شبکه‌های مجازی فاصله گرفتن از فضای واقعی و غرق شدن در فضای مجازی نیز یکی دیگر از اثرات استفاده از شبکه‌های مجازی و پایه‌گذار بسیاری از مشکلات زناشویی است. حضور در دنیای مجازی ارتباط زوج‌ها را کم‌رنگ می‌کند و نقش تسهیل‌گری در روابط فرازنشویی دارند.

عرفی شدن دین

عرفی شدن دین به معنای قداست زدایی و دیانت زدایی است. فرآیندی که براساس آن اندیشه دینی، اعمال دینی و نهادهای دینی، نقش و اهمیت اجتماعی خود را از دست می‌دهند و در این فرایند مظاهر دینی در اجتماع حذف شده و یا کاهش یافته و بدون حضور دین به تدبیر امور پرداخته می‌شود. از آنجا که دین و اعتقادات مذهبی، نقشی قاطع در تعیین هنجارهای جنسیتی و بر ساخت روابط جنسی دارد (زاکرمن، ۱۳۸۴: ۱۷۵)

عرفی‌گرایی و اعتقاد به اصالت امور دنیوی یکی از تبعات مدرن شدن جوامع است. در عصر مدرن پیرو تحولاتی که به ذهن و احساس انسان‌ها عارض می‌شود، دگرگونی‌ها و تحولاتی نیز در مناسبات او با جهان هستی، طبیعت و جامعه پدید می‌آید. دین به عنوان یکی از متغیرهای هنجاریبخش و تنظیم‌کننده عامل مذهب نقش مهمی در گزینش سبک زندگی دارد و کاهش اعتقادات مذهبی می‌تواند روی باورها و عملکرد افراد تأثیر بگذارد.

«وقتی با یکی زندگی میکنی که بهش علاقه نداری تعهد و عشق بی‌معنی من این که یکی برام عقد رو بخونه، شرط رابطه نمی‌دونم همین که دو نفر همدیگه رو دوست داشته باشن مقدسه و حکم مجوز برای رابطه رو داره» (دیپلم، خانه دار)

«از نظر من اصل این دنیاست دنیای دیگه ای وجود نداره اگر تو این چند سال که جوانیم از جونمون استفاده نکنیم دیگه پس برای چی باید زنده بمونیم...». (دبیرستان، خانه دار)

دین نه تنها مردم را نسبت به برخی از سبک‌های زندگی در قیاس با سبک‌های زندگی دیگر ترغیب می‌نماید، بلکه می‌تواند تأثیر قابل ملاحظه‌ای در کنترل فرهنگ مصرفی و سبک‌های زندگی مصرفی داشته باشد (باکاک، ۱۳۸۱، ص. ۱۷۷). در مجموع می‌توان ادعا کرد نفوذ مدرنیته با گسترش آزادی‌های فردی و اجتماعی، دنیاگرایی، تغییر ارزش‌های اجتماعی، تفوق ارزش‌های فردگرایانه، تنوع روزافزون سبک زندگی و تأثیرات ناهمگون بر عادات، ارزش‌ها، تصورات و شیوه‌های تفکر و اندیشه، به فاصله گرفتن بیشتر افراد از کدهای رفتاری مبتنی بر مذهب و تعهد انجامیده است. دشواری‌های طلاق به عنوان یکی از درون‌مایه‌های شناساسایی شده و

شامل زیر مقوله‌هایی مانند مشکلات پس از طلاق، محدودیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، عدم حمایت قانون از زنان مطلقه، عدم حمایت خانواده پس از طلاق، وابستگی مالی به همسر، داغ ننگ طلاق می باشد.

طلاق پیامدهای اجتماعی، روانی، امنیتی، مالی، عاطفی، جنسی و... زیادی با خود به همراه دارد که در مواردی ممکن است اقدام به طلاق رسمی را به تعویق بیندازد. در واقع فشارهای اجتماعی و قبح طلاق در جامعه و پیامدهای احتمالی، باعث می شود که زوجین به اجبار زندگی مشترک خود را ادامه دهند. در این مواقع هر دو طرف و یا یکی از زوجین قصد طلاق دارد اما به دلیل مشکلات و عواقب ناشی از آن، به رابطه ادامه میدهند که به دلیل طلاق عاطفی ایجاد شده منجر به روابط فرازنشویی از سوی آنان گردد. نداشتن حق طلاق برای زنان یکی از خलाهای قانونی برای پایان دادن به زندگی مشترک از سوی زنان و ادامه زندگی مشترک به صورت اجباری است که می تواند با ایجاد مانع بر سر را طلاق زوجین و افزایش نارضایتی زنانشویی برای زنان، زمینه ساز روابط فرازنشویی آنان گردد.

«من بخاطر همه مشکلات و تنفر از همسر و به خاطر این که هیچ محبت و عشقی از همسر نمی دیدم با غریبه‌ها رابطه داشتم و خیلی تکرار شد... خودم خیلی عذاب وجدان گرفتم و خواستم طلاق بگیرم اما همسرم بچه رو بهانه کرد و نداشت... من دیگه هیچ علاقه‌ای به همسر ندارم و دائم به فکر خیانتم متاسفانه، البته خیلی تلاش کردم که به طلاق رضایت بده چون بچه‌ها هم بخاطر دعوها و کتک کاری‌های ما عصبی شدن. اما همسرم اصلاً قبول نمیکنه». (کارشناسی، ماما)

نداشتن حق طلاق گاهی انگیزه برخی از زنان برای، تحت فشار قرار دادن همسر و جلب موافقت وی با طلاق می باشد این افراد تمایلی به ادامه رابطه با همسرشان نداشته و این روابط را راهکار مطمئنی برای رضایت شوهر خود برای طلاق می دانند.

«من خیلی وقته با شوهرم مشکل دارم و بارها بهش گفته بودم طلاق میخوام اما شوهرم طلاقم نداد و این رابطه یه بهونه بود برای این که همسرم به جدایی رضایت بده طلاق گرفتن خیلی برای زنها تو این جامعه کار سختی هستش».

عدم حمایت خانواده مبدأ بعد از طلاق

مخالفت خانواده‌ها با طلاق و عدم حمایت مالی، عاطفی از سوی خانواده‌ها و انگ اجتماعی آن برای خانواده‌ها یکی دیگر از دلایل ادامه دادن اجباری زنان به زندگی مشترک می باشد که می تواند با توجه به کمبودهای موجود، زمینه ساز روابط فرازنشویی گردد.

من هیچ علاقه ای به شوهرم نداشتم به اجبار خانواده ام با همسر از دواج کردم. خانواده ام برای طلاق از حمایت نمیکنن و بارها تهدیدم کردن که طردم میکنند تو خونه رام نمیدن... تو اقوام ما طلاق خیلی بده، همه اعتقاد دارن با لباس سفید باید بری با کفن برگردی ... من هم می دونستم نمیتونم جدا بشم برای فرار از تنهایی وارد دنیای مجازی شدم و...)).

بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد عوامل فردی، عوامل بین فردی و عوامل اجتماعی در بروز روابط فرازنشویی در زنان موثر است. عوامل درون فردی در بردارنده مفاهیمی همچون نگرش‌های ناکارآمد، ویژگی‌های شخصیتی، اختلالات شخصیت، عدم توانایی کنترل تکانه، تنوع طلبی و هیجان خواهی، عزت نفس پایین و احساس نا امنی، بحران‌های زندگی می باشد. داشتن نگرش‌های سهل‌گیرانه از دیگر درون مایه‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها می باشد. نگرش‌های ناکارآمد، شامل نگرش‌های غیر واقع بینانه نسبت به خود، همسر، خانواده مبدأ، دیگران، آینده و... را شامل می شد. نگرش‌های ناکارآمد داشتن نگرش یا باورهای ناکارآمد در روشهای ارزیابی اولیه افراد از موقعیتهای مختلف موثر تفکرات غیرمنطقی مانند کمالگرایی، استنتاج مطلق، پردازش‌گزینشی، کمینه سازی، دید تونلی، توضیح

متعصبانه، ذهن خوانی، ادراکهای گزینشی، اسنادها، پیشفرض ها، انتظارات و معیارها (اکبری و همکاران) با تأثیرگذاری بر جنبه های مختلف زندگی زوجین سلامت روان آنها را با مشکل روبه رو میکند و سبب بروز تعارضات مختلف و کاهش روابط صمیمی میشود و حل آنها را با دشواری بیشتری روبه رو میکند (فینچام، 2017)

مطالعات انجام شده توسط لگکاسکاس و استنکوینسی^۱ در مورد مردان و زنان نشان میدهد که، نگرشها و سهیل گیریهای جنسی به طور مثبتی با روابط فراژناشویی در ارتباط است (لگکاسکاس و استنکوینسی، ۲۰۰۹).

اختلالات شخصیت یکی دیگر از مفاهیم استخراج شده در مصاحبهها بود. اختلال شخصیت به طور عمیقی، تواناییهای تفکر، احساس و عمل و رفتار یک شخص را تحت تأثیر قرار دهد و تأثیر سوئی بر عملکرد افراد در حوزه های مختلف از جمله ارتباط با همسر داشته باشد. وجود رابطه بین اختلالات روانی و روابط فراژناشویی هم راستا با مطالعات سانسونو وایدمن^۲ (۲۰۱۱) و شاتل هربارگنو آلرز^۳ (۲۰۰۹)، مبنی بر بروز روابط فراژناشویی در زنان مبتلا به اختلال شخصیت مرزی است. وجود رابطه بین روابط فراژناشویی و اختلال شخصیت ضد اجتماعی (رستگار، ۱۳۹۰)، او نیز ختلال شخصیت خودشیفتگی (خدمتگزار، بوالهروی و کرملو، ۱۳۸۷)، تأیید شده است. دانکان^۴ و همکاران در مطالعه خود، دریافتند که افراد عجول، بی احتیاط و بی پروا بیش از سایرین در رفتارهای جنسی پرخطر درگیر میشوند. از نظر آنان سطوح مختل تکانش گری و عدم توانایی کنترل تکانه، میتواند پیشبینی کننده مناسبی برای دست زدن به روابط فراژناشویی باشد (دانکان، ۲۰۰۹، ص. ۳۵۱). پژوهشهای انجام شده هم راستا با نتایج حاصل از مصاحبه ها حاکی از تأثیر سابقه خانوادگی تجربه روابط فراژناشویی است و روابط فراژناشویی، فضا را برای روابط فراژناشویی افراد در آینده آماده می کند (تورسن^۵، ۲۰۰۷، ریستین و ریچارد^۶، ۱۹۹۳، اشمیت، گیرین و پروتی^۷، ۲۰۱۵). تحت تأثیر این روابط، فرزندان به طور مستقیم یا غیر مستقیم تحت تأثیر تعارضات والدین قرار می گیرند. در پژوهش نوگالس^۸ (۲۰۰۹)، بر فرزندان که والدینشان تجربه روابط فراژناشویی داشته اند، دریافت، آنها به سختی می توانند وارد رابطه سالم شوند که این رفتارها ناشی از عدم اعتماد آنها نسبت به همسرانشان است، از این رو برقراری روابط عاشقانه با کیفیت برایشان دشوار بوده و بیشتر به سمت روابط فراژناشویی سوق پیدا می کنند. همچنین روابط فراژناشویی والدین بر ادراک فرزندان از روابط اخلاقی با خانواده و همسرشان اثر گذار است (اشمیت^۹، ۲۰۱۳). فرزندان که از روابط فراژناشویی والدین خود آگاه هستند، مشکلات بیشتری را در حوزه اخلاق و در رابطه با همسر از خود نشان می دهند (هاسلایمر^{۱۰}، ۲۰۱۵). همچنین روابط فراژناشویی والدین بر ادراک فرزندان از اعتماد و وفاداری نسبت به همسرشان تأثیر می گذارد (گیرین، سیلی و پروتی^{۱۱}، ۲۰۱۵) به همین جهت اعتماد نقش حیاتی در استقرار و نگهداری از روابط سالم و رضایت بخش ایفا می کند و افرادی که اعتماد کمتری در روابط خود تجربه می کنند، احتمال بیشتری وجود دارد درگیر روابط فراژناشویی شوند (کرامر، مانینگ، جانسون، و آبراهام^{۱۲}، ۲۰۰۰). چنین افرادی به دلیل این که فکر می کنند دیگر افراد نیز نیت و قصد منفی در رابطه دارند و

1 Legkauskas V, Stankevičienė D

2 Sansono Weiberman

3 Shuttle Herbergno Allers

4 Duncan

5 Thorson

6 Reibstein & Richards

7 Shmidt, Green & Prouty

8 Nogales

9 Shmidt

10 Haselmayer

11 Green, Sibley

12 Cramer, Manning, Johnson & Abraham

قابل اعتماد نیستند، دید منفی بیشتری نسبت به دیگران دارند، بر همین اساس ممکن است نسبت به شرکای خود دست به خیانت بزنند (میلر^۱، ۲۰۱۵).

در مورد عوامل بین فردی، بررسی روایات زنان در پژوهش حاضر نشان داد، درون مایه عدم عقلانیت در تصمیم گیری برای ازدواج که در بردارنده مفاهیمی مانند ازدواج بدون شناخت کافی و آمادگی لازم، ازدواج اجباری، ازدواج به دلایل نادرست و عدم آشنایی با معیارهای صحیح انتخاب همسر می باشد، در بروز روابط فرازنشویی زنان تأثیر گذار است. فردی که در مرحله انتخاب همسر دارای استقلال نسبی بوده و به بلوغ فکری و عاطفی لازم برای تشکیل زندگی مشترک رسیده باشد و همسرش را به صورت آگاهانه و همراه با میل باطنی و به دور از انگیزه‌ها و دلایل نامناسبی مانند فرار از جو متشنج خانواده مبدأ، انتخاب کند مقاومت و پتانسیل بیشتری، برای مواجه شدن با سختی‌ها و اختلاف‌های پیشرو در زندگی مشترک خواهد داشت.

گلاسر^۲ نیاز به تجربه مجدد صمیمیت فردی و جنسی را مهم ترین انگیزه زن و مرد متأهلی میداند که به سوی روابط فرازنشویی کشیده میشوند، امری که از ابتدا در زندگی آنان شکل نگرفته است و یا دیگر آن را در زندگی مشترکشان نمی یابند. لیتون^۳ (۲۰۰۳) نیز، در پژوهش خود نشان داد ۹۰٪ افرادی که روابط فرازنشویی، برقرار کرده اند، علت آن را ارضا نشدن نیازهای عاطفی در رابطه زنانشویی خود، می دانستند.

ضعف در مهارت‌های ارتباطی و ارتباطات ناکارآمد، یکی دیگر از درون مایه های شناسایی شده در مصاحبه‌ها بود ارتباطات مناسب و کارآمد، منجر به صمیمیت روان شناختی و رضایتمندی زوجین میگردد. ضعف در الگوهای ارتباطی سالم، یکی از مهمترین عوامل مخرب در روابط زنانشویی است. گسست عاطفی، می تواند به بروز و شکوفایی یکسری روابط جدید منجر شود و تمایل به پر کردن خلاءهای عاطفی توسط انگیزه‌ای برای تجربه روابط فرازنشویی، شود و تأثیر دیگر آن کاهش تاب آوری زوجین در برخورد با مشکلات و اختلافات معمول، می باشد. پژوهش‌های متعددی همسو با یافته‌های پژوهش نشان دهنده آن هستند که ارتباط کارآمد و رفتارهای نگهدارنده ارتباط در افراد، نقش تعیین کننده‌ای در تعهد زوجین به یکدیگر دارد (حاتمی ورزنده، ۱۳۹۶ به نقل از رامیرز^۴، ۲۰۰۸). طبق نتایج فونگ، ونگ و تام (۲۰۰۹) نیز بین روابط فرازنشویی و تعارضات زنانشویی، رابطه معناداری وجود دارد. از سوی دیگر یافته‌های پژوهش اسماعیل پور و همکارانش (۱۳۹۲) نشان داد که آموزش مهارت‌های ارتباطی سازنده نقش مهمی در رضایت زنانشویی و کاهش آسیب‌های نارضایتی آنان از زندگی مشترک دارد. در مجموع می توان گفت بسیاری از جنبه‌های رابطه زوجین می تواند رضایت کلی آنان از ازدواج را متاثر سازد و از این طریق منجر به کاهش عدم تعهد در آنان شود که از جمله می توان به مواردی مانند تسلط بر برقراری ارتباط مؤثر، تعاملات مثبت با همسر، مدیریت تعارضات، مهارت حل مسئله و داشتن مهارت‌های لازم برای ایجاد صمیمیت و تداوم آن، اشاره کرد و بر عکس ضعف در این مهارتها با افزایش نارضایتی بین زوجین می تواند زمینه ساز روابط فرازنشویی گردد (راگوف^۵، ۲۰۱۳). این یافته‌ها همچنین با نتایج پژوهش‌های گریف، هیلدگارد و مالرب^۶، نیز همسو است که نشان دادند زمانی که زوجین درباره عقاید خود نسبت به هم، عقاید نسبت به روابط زنانشویی و عقاید نسبت به اهداف زندگی با یکدیگر گفتگو کنند و در این گفتگو توجه خود را نسبت به نیازها، علایق و عقاید دیگری نشان دهند، ازدواج پایدارتری خواهند داشت.

1 Miller

2 Glasser

3 Leighton

4 Ramirez

5 Rogoff

6 Greeff, Hildegarde, Malherbe

عدم همسویی و همراهی زوجین با یکدیگر، از دیگر درون مایه های استخراج شده از مصاحبه ها می باشد که همسو با نظریه همسان همسری می باشد که استحکام خانواده را ناشی از وجود ویژگی های همسان میان زن و شوهر میدانند. درون مایه مشکلات جنسی و عدم رضایت از روابط زناشویی، یکی دیگر از مقولات به دست آمده از مصاحبه ها می باشد. بر اساس نظر پاسخ گویان، نارضایتی از روابط جنسی، یکی از مهمترین عامل گرایش به روابط فراژناشویی محسوب می شود. مسائل جنسی از لحاظ اهمیت در ردیف مسائل بسیار مهم و تعیین کننده زندگی بوده و سازگاری در روابط جنسی و تناسب و تعادل در مقدار تمایلات جنسی دو طرف از مهمترین علل موفقیت زندگی مشترک، محسوب میشود. به طوری که می توان گفت رابطه جنسی به لحاظ اهمیت، به عنوان فشارسنج هیجانی در روابط زوجین عمل می کند و می تواند منعکس کننده رضایت زوجین از سایر جنبه های زندگی مشترک باشد و سایر جنبه های زندگی مشترک را متاثر کند. احساس ناکامی، سرخوردگی و عدم احساس ایمنی ناشی از فقدان رضایت جنسی، می تواند سلامت روانشناختی همسران را با خطر مواجه کند و زمینه ساز روابط زناشویی گردد (برزنیاک و ویسمن، ۲۰۰۴). این یافته ها تایید کننده دیدگاه های لواندوسکی^۱ و آکرمن^۲ (۲۰۰۶) و یافته های پژوهشگرانی همچون مگان (۲۰۱۲)، استنزوهامونز (۲۰۰۲) آتکینز و همکاران (۲۰۰۱)، ترز و جیسن (۲۰۰۰) و نیومن (۲۰۰۸)، احمدی (۱۳۹۱)، کاوه (۱۳۸۷)، شاهسیاه و همکاران (۱۳۸۸) می باشد. کمپل^۳ نیز معتقد است کیفیت کم یا دفعات کم رابطه جنسی در روابط زناشویی و نداشتن تشابه و تفاهم در آن، از مهمترین عوامل درگیری شدن افراد در روابط خارج از چارچوب زناشویی است و شاید درگیری افراد در این روابط، ابزاری برای بازگرداندن تعادل به زندگی مشترک باشد (کمپل، ۲۰۰۹). به نظر می رسد رضایت از روابط زناشویی زنان، بیش از گذشته، نقش تعیین کننده ای در سازگاری زناشویی زنان، رضایت زناشویی و تعهد زناشویی آنان داشته باشد. افزایش آگاهی جنسی و تغییر در فرهنگ جنسی از جمله مهمترین عواملی هستند که رضایت زناشویی زنان را در عصر حاضر تحت تأثیر خود قرار داده است. در گذشته بسیاری از زنان در مقایسه با عصر حاضر، به نیاز جنسی خود به دلایلی مانند اشتغال به فعالیت های تمام وقت خانگی، تعداد بیشتر فرزندان و بسته بودن فضای جنسی، کمتر توجه می کردند و کمبود در این ناحیه برای آنان پذیرفتنی تر و تحمل پذیرتر بود. در کنار این مسئله، افزایش اطلاعات جنسی زنان، افزایش دسترسی ها و افزایش انتظارات جنسی، گسترش شبکه های اجتماعی و حضور پر رنگ برنامه های ماهواره ایو اینترنت در خانواده ها، از دیگر عواملی هستند که کیفیت رضایت زناشویی زنان را از طریق افزایش آستانه رضایت مندی جنسی و در نتیجه افزایش نارضایتی جنسی در روابط زناشویی تحت تأثیر قرار می دهند. زیست جنسی و ذائقه جنسی زوجین را متاثر کرده است.

عوامل اجتماعی دربردارنده مفاهیمی همچون تغییر ارزش ها و ترویج ارزش های جایگزین، عرفی شدن دین، تسهیلگری تکنولوژی و رسانه های مجازی و دشواریها و مسایل پیرامون طلاق برای زنان می باشد.

رسانه های ارتباطی، با افزایش اطلاعات و داده ها موجبات بازاندیشی و بازنگری دائمی افراد را فراهم می کنند و نفوذی قاطع و تعیین کننده در تمایز عقیدتی^۴ داشته و می تواند منجر به پردازش و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود، دیگران و جامعه شده و به فرورویختن مرزهای هنجار و ناهنجار و شکستن تابوها صورتی عادی بخشیده و در تعیین ساختار ذهنی، فرهنگ و رفتارهای فردی و اجتماعی افراد به ویژه در بین جوانان نقش مؤثری داشته باشد. همان گونه که گیدنز معتقد است انبوه عظیمی از مقالات

1 Lewandowski

2 Ackerman

3 Campbell

4 Ideology

تخصصی و کتاب‌های راهنما و همچنین برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی به طور مداوم ناقل اطلاعات و پژوهش‌هایی درباره روابط خصوصی و شخصی افراد بوده و موضوع بحث و تفحص‌های خود را به طور بازتابی در معرض بازسازی یا تغییر و تبدیل ماهوی قرار می‌دهند. نتیجه حاصله با نتایج پژوهش‌های انجام شده توسط والنزولا^۱ و همکاران (۲۰۱۴)، کلیتون و راسل^۲ (۲۰۱۱)، نورتون^۳ و همکاران (۲۰۱۱)، نوئل^۴ (۲۰۱۲)، لوادا^۵ و همکاران (۲۰۱۳)، مقدم (۱۳۹۳)، عاملی (۱۳۹۰) که حاکی از تاثیر مثبت شبکه‌های اجتماعی بر بروز تعارضات زناشویی و روابط فرازناشویی است، همسویی دارد.

عرفی شدن دین، یکی دیگر از مقولات استخراج شده از مصاحبه با مراجعین، می‌باشد. بسیاری از زنان به ویژه جوانان، متأثر از فرایند نو اندیشی، به برداشت‌های شخصی از دین در رفتارشان استناد می‌کنند و در بسیاری از حوزه‌های حیات اجتماعی خود تعریف دیگری از بهنجاری و ارتباط با خدا و زندگی درست دارند به طوری که دیگر پذیرش ارضاء معوق به خاطر برخورداری از آخرتی بهتر کمتر یک ارزش محسوب می‌شود. در این فرایند افراد بر اساس محاسبات عقلانی خود اقدام می‌کنند و آن را موکول به احکام موجود و محدود به آن نمی‌کنند. در حقیقت، گفتمان مدرنیته با به چالش کشیدن باورهای دینی و ایجاد نظام‌های معنایی جدید، می‌تواند بستر روابط خارج از چارچوب زناشویی را برای افراد فراهم می‌آورد که با نتایج پژوهش‌های (متینگلی^۶ و همکاران، ۲۰۱۰، باردت^۷ و همکاران ۲۰۰۷) همسو است که نشان می‌دهد، افرادی که به هیچ مذهبی اعتقاد ندارند نسبت به کسانی که به مذهبی اعتقاد دارند بیشتر وارد روابط فرازناشویی میشوند. (فیروزجائیان، ۱۳۹۶ به نقل از میراندا و دراف، ۲۰۰۶) نیز دریافتند که حضور بیشتر در کلیسا و دینداری میتواند از عوامل پیشگیری از گرایش به روابط فرازناشویی باشد. در راستای تبیین این رابطه می‌توان گفت، دینداری با اثرگذاری بر سیستم شناختی و باورهای همسران تعهد را در ازدواج ایجا می‌کند، افراد دیندار ازدواج را امری مقدس تلقی می‌کنند و خود را بدان متعهد میدانند. از طرف دیگر دین به طور غیرمستقیم و با افزایش مؤلفه‌هایی همچون شادکامی و کیفیت ارتباط و رضایتمندی مانع بیثباتی ازدواج میشود (پین، ۲۰۱۰، لمبرت، و دوله‌ایت، ۲۰۰۸). متینگلی و همکاران در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که افراد دیندار تمایل کمتری به برقراری روابط فرازناشویی دارند و دینداری آن‌ها باعث متعهد ماندن آن‌ها به رابطه با همسرانشان می‌شود (متینگلی^۸، ۲۰۱۰). ارزش‌های دینی همچنین، می‌تواند باعث شود زن و شوهر به دین به عنوان یک نقشه راه زناشویی که شامل خطوط راهنمایی برای روابط جنسی، نقش‌های جنسیتی، و ایشار در ازدواج است، فکر کنند (ماهونی^۹ و همکاران، ۲۰۱۰). دگرگونی‌های اقتصادی - اجتماعی و به دنبال آن دگرگونی‌های فرهنگی عمیقی که در دهه‌های اخیر در کشور، به وقوع پیوسته موجب تغییرات اساسی در نوع نگاه افراد به خانواده و انتظارات آن‌ها از ازدواج و زناشویی و شکل‌گیری اشکال متنوعی از پارادایم‌های زناشویی شده است. در چنین شرایطی، انتظارات زوجین از همدیگر از حالت از پیش تعیین شده قبلی خارج شده و زن و شوهر به نوعی در برآوردن انتظارات و خواسته‌های یکدیگر با ابهامات اساسی مواجهند که این وضعیت در مقایسه با وضعیت نسبتاً همگون پیشین، نهاد خانواده و زناشویی را با چالش‌ها و تعارضاتی متفاوت و مضاعف دست به گریبان ساخته است. همزمان با تغییرات

1 Valenzuela

2 Clinton & Russell

3 Norton

4 Noel

5 Loada

6 Mattingly

7 Burdette

8 Mattingly

9 Mahoney

ساختاری و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگ جامعه و به تبعیت از آن، افکار عمومی، مناسبات جنسیتی و بازنمایی آن دچار تغییر و تحولات زیادی شده است. تغییر الگوی رفتار جنسی شکل گرفته در این دگرگونی‌ها، جامعه ایران را، در معرض تغییر زیست جنسی (نگرش، رفتارها، هنجارها، ارزش‌ها، فانتزی‌ها) که تغییری متکثر است، قرار داده و موجب شده است در کنار ارزش‌ها و هنجارهای جنسی قبلی، ارزش‌های جدید هم حضور داشته باشد. تغییرات ایجاد شده در زیست جنسی جامعه ایرانی را مانند دیگر جوامع، می‌بایست در تحقق سوژگی و انگاره‌های بنیادین جنسی افراد جستجو کرد. هر چند در جامعه ایران، همچنان ارزش‌ها و هنجارهای پیشین، از قدرت بیشتری برخوردار هستند و خرده فرهنگ‌های جنسی که زیست جنسی خود را بر اساس ارزش‌های جنسی جدید تعریف می‌کنند، همچنان ناهنجار به شمار می‌روند، اما شیوه به کارگیری این ارزش‌ها و هنجارها، تغییر شگرفی با گذشته داشته و نیاز به بررسی و واکاوی دارد. در مورد محدودیت‌های پژوهش می‌توان به عدم دستیابی به تنوع قابل مشاهده در مصاحبه‌شوندگان (عمده مشارکت‌کنندگان از نظر سطح تحصیلات و وضعیت اشتغال، شرایط مشابهی داشتند) اشاره کرد که همین امر امکان معرف بودن نمونه و تعمیم یافتن داده‌ها به جامعه بزرگتر را با محدودیت مواجه می‌سازد. البته تلاش شد با توجه به فاکتورهایی مانند سطح تحصیلات، نوع شغل، طبقات اجتماعی و اقتصادی و ... در انتخاب نمونه به تنوع بیشتری از افراد نمونه دست پیدا کنیم.

در همین راستا با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی لازم است از طریق گفتگو در مورد امر جنسی و زیست جنسی جامعه ایرانی (رفتارها، هنجارها، ارزش‌ها، فانتزی‌ها و نمادسازی‌هایی است که پیرامون سائق جنسی شکل می‌گیرد و جنبه اجتماعی پیدا کرده است)، امر جنسی را از تابو بودگی خارج کرد و با آگاه ساختن جامعه، نسبت به اهمیت موضوع رابطه جنسی و تاثیر آن بر تدوام خانواده، از قدرت خط قرمزها و خودسانسوری‌های غلط و خودساخته که هیچ مبنای علمی و شرعی ندارد، کاست. بررسی مجدد قوانین و اصلاح مشکلات ساختاری جامعه برای تسهیل طلاق و اتخاذ تدابیری و اقدامات فرهنگی به منظور اصلاح نگرش‌های سنتی و غلط، برطرف کردن نگرش مردسالاری و تبعیض جنسیتی، فرهنگ سازی برای انگ زدایی از طلاق برای کم کردن مشکلات پس از طلاق و هموار کردن راه رشد اجتماعی انسان‌ها، می‌تواند تاثیرات مثبتی بر کاهش روابط فرزندناشویی داشته باشد. همچنین توجه بیش از پیش به مشاوره‌های پیش از ازدواج و الزامی شدن این مشاوره‌ها، با همکاری مراکز ثبت ازدواج، شبکه بهداشت و مراکز مشاوره و ترویج فرهنگ استفاده از خدمات روان‌شناسی و مشاوره، روانپزشکی و مددکاری اجتماعی در راستای ارتقای کیفیت زندگی و بهداشت روانی زوجین، برپایی کارگاه‌های آموزشی با هدف افزایش سطح آگاهی زوجین از عوامل زمینه ساز روابط فرزندناشویی و حساس‌زایی آنان نسبت به عوامل زمینه ساز روابط فرزندناشویی مهارت‌های همسرمداری، آشنایی با نیازهای جنس مخالف، آشنایی زوجین با نیازهای عاطفی و روانی خود و همسر در سطوح مختلف جامعه توسط مراکز آموزشی، فرهنگی و اجتماعی و سازمان‌های مردم‌نهاد توسط سازمان بهزیستی، سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره و ... می‌تواند باعث کاهش ریسک فاکتورها، غنی‌سازی روابط زوجین، افزایش رضایت زناشویی و در نتیجه کاهش روابط فرزندناشویی گردد.

منابع

- باکاک، رابرت (۱۳۸۱). مصرف. (خسرو صبری، مترجم). تهران: نشر شیرازه
- بیرم وند، یاسمن، امیدی ارجنکی، زهرا، صالح زاده، مریم. (1402). پیش‌بینی گرایش به خیانت زناشویی براساس استفاده از هرزه‌نگاری اینترنتی با نقش واسطه‌ای کیفیت روابط زناشویی. فصل‌نامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی، 4(4)، 185-201
- حاتمی ورزنده ابوالفضل، اسمعیلی معصومه، برجعلی احمد، فرحبخش کیومرث (۱۳۹۵). بررسی مقایسه‌ای ازدواج‌های پایدار رضایتمند و ازدواج‌های درحال جدایی، فصل‌نامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، ۳۹(۱): ۷-۳۹
- زاکرم، فیلی، (1384). درآمدی بر جامعه‌شناسی دین. ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- شاه سیاه، مرضیه. (۱۳۸۸). بررسی رابطه‌ی رضایت جنسی و تعهد زناشویی زوجین شهرستان شهرضا. مجله اصول بهداشت روانی، ۱۱(۴۳): ۲۳۳-۲۳۸
- شاهمرادی، سمیه، فاتحی زاده، مریم، احمدی، احمد. (۱۳۹۶). پیش‌بینی تعارض زناشویی از طریق ویژگی‌های شخصیتی، روانی و جمعیت‌شناختی زوج‌ها. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی ۱۲(۴۳): 33-44.
- صادقی فسایی، سهیلا ملکی پور و زینت ملکی پور (۱۳۹۴). پیامدهای فاصله در روابط زوجین و استراتژی‌های مواجهه با آن. مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، ۲۰(۱): ۱-۲۲.
- فتحی منصور، پروین ستار، جوادیان سیدرضا. (۱۳۹۵) مقایسه علل بی‌وفایی مردان و زنان در روابط زناشویی: یک مطالعه کیفی. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۵(۴): ۴۰۱-۴۱۸
- کریمی زند، بهاره و بهنودفر، رضا. (۱۴۰۲). بررسی رابطه بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و خیانت زناشویی؛ مورد پژوهش: دانشجویان متاهل دانشگاه آزاد اسلامی شهرستان بروجرد
- گلسر، ویلیام. گلسر، کارلین. (۱۳۸۹). ازدواج بدون شکست، ترجمه: سمیه خوش نیت و هدی براننده، چاپ چهارم، مشهد: انتشارات فرا انگیزش.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲). تجدد و تشخیص. (ناصر موفقیان، مترجم). تهران: نشر نی
- عاملی، سعید رضا (۱۳۹۰). آسیب‌ها، جرائم قوانین و سیاست‌های فضای مجازی، تهران: انتشارات امیر کبیر
- Atapour N, Falsafinejad MR, Ahmadi K, Khodabakhshi-Koolae A. (2021) A study of the processes and contextual factors of marital infidelity. Practice in Clinical Psychology, 9(3), 211-216
- Byers, E.S. (2005). "Relationship satisfaction and sexual satisfaction: A longitudinal study of individuals in long-term relationships". Journal of Sex Research, 42(2), 113- 118.
- Beck, U., Beck, E., - Gernsheim. (2002). "Individualization: Institutionalized Individualism and its Social and Political Consequences". London: Sage publication
- Burdette, A. M., Ellison, C. G., Sherkat, D. E., & Gore, K. A. (2007), "Are there religious variations in marital infidelity?" Journal of Family Issues, No 28(12), 1553-1581.
- Campbell, Amanda Marie M. A. (2009). "How Selected Personality Factors Affect The Relationships Between Marital Satisfaction, Sexual Satisfaction, And Infidelity", (Doctoral dissertation, Louisiana Tech University, Louisiana, USA), Retrieved from <https://digitalcommons.latech.edu>.
- Fife, S. T., Stewart, C. M., & Hawkins, L. G. (2020). Family-of-Origin, Sexual Attitudes, and Perceptions of Infidelity: A Mediation Analysis. The American Journal of Family Therapy, 48(2), 142-159.
- Fekoor, M., Khodami, A., & Piltan, F. (2024). Sociological Investigation of Factors Influencing Extramarital Relationships in Couples from Bandar Abbas. Journal of Assessment and Research in Applied Counseling, 6(1), 34-44

- Fincham, F. D. (2016). "Predictors of extradyadic sex among young adults in heterosexual dating relationships: a multivariate approach". *Sexual and Relationship Therapy*, 1-20.
- Jahandar Lashki, S., Hosseini, S. S., & Kakabarayi, K. (2020). Developing a Structural Model to Predict the Attitude towards Infidelity based on Media Consumption and Mediators of Inefficient Attitudes, Marital Conflicts, and Sexual Satisfaction. *International Journal of Psychology*, 14(2), 158-184.
- Ghafoorian Noroozi,parisa , Asghari Ebrahimabad, Mohammad-Javad , Abdekhodaei , Mohammad-Saeed , Kimiaee ,Seyyed-Ali.(2021). Identifying Common Elements of Evidence – Based Psychological Treatments for Females with Extramarital Experience. *International Journal of Applied Behavioral Sciences*,8(2),13-24.
- Garza, L. (2020). The Role of Gender and Attitudes Toward Infidelity in Therapists' Treatment Decisions for Couples Presenting with Physical Infidelity (Doctoral dissertation, Fielding Graduate University)
- Greeff, P., Hildegard, L., & Malherbe, A.(2001). "Intimacy and marital satisfaction in spouses". *Journal of Sex & Marital Therapy*,27(2) 247-257
- Kubrebwa, M. and Dzimiri, W. (2015) "Unmaking Factors that Propel Men into Extramarital Affairs as Perceived by men in Gweru's Mkoba Suburb: Zimbabwe". *ScholarsJournal of Arts, Humanities and Social Sciences*. 3(1), 252-256.
- Lainez, N., & Nguyen, T. (2020). Extramarital relationships in the Vietnamese migrant community in Laos: reasserting patriarchal ideologies and double standards. *Culture, Health & Sexuality*, 22(3), 261-274
- Lewandowski,G.W., Ackerman, R.A.(2006)."Something missing: need fulfillment and self-expansion as predictors of susceptibility to infidelity". *The Journal of social psychology*, 164(4), 389-403.
- Mark, K. P., Janssen, E. and Milhausen, R. R. (2011). "Infidelity in Heterosexual Couples: Demographic, Interpersonal, and personality-related predictors of extra dyadic sex". *Archives of Sexual Behavior*,(40), 971–982.
- Mattingly, B.A., Wilson, K., Clark, E.M., Bequette, A.W, Weidler, D.J.(2010)."foggy faithfulness,relationship quality, religiosity, and the perceptions of dating infidelity scale in an adult sample". *Journal of Family Issues*. 31(11),1465– 1480.
- Millar, B. (2017). "Behavioral Reactions to Emotional and Sexual Infidelity: mate Abandonment versus mate Retention". *Evolutionary Behavioral Science Journal*, 11(4), 336-340
- Mirhashemi M, Akbarimoghadam Z.(2020) The Prediction of infidelity Upon Personality Characteristics, Marital Satisfaction and Attachment Styles. *Journal of Woman and FamilyStudies*. 8(3),75-97.
- Munsch, C. L. (2015), "Her support, his support: Money, masculinity, and marital infidelity". *American Sociological Review*, 80(3), 469-495
- Nowak, N. T., Weisfeld, G. E., Imamoğlu, O., Weisfeld, C. C., Butovskaya, M., & Shen, J. (2014), "Attractiveness and spousal infidelity as predictors of sexual fulfillment without the marriage partner in couples from five cultures", *Human Ethology Bulletin*, (29), 18-38
- Pham, H.(2017). "Early maladaptive schemasand adult attachment in a UK clinical sample". *Psychology and Psychotherapy: Theory Research and Practice*. 78(4), 549–564
- Pronk, T. M., Karremans, J. C., & Wigboldus, D. H. (2011). How can you resist? Executive control helps romantically involved individuals to stay faithful. *Journal of personality and social psychology*, 100(5), 827.
- Quinta-Gomes A, & Nobre P.(2012). "Early maladaptive schemas and sexual dysfunction in men.". *Archives of Sexual Behavior*,41(4),311–320

- Rogoff, L. (2013). "The Influence of Family Communication Patterns, Marital Typology, and Level of Intimacy on Marital Satisfaction for Couples Living in the United States". Doctoral dissertation in clinical psychology. Walden University.
- Shackelford, T. K., Buss, D. M., & Weekes – Shackelford, V. A. (2003). "Wife killing committed in the context of lovers triangle". *Basic and Applied Social Psychology*, 25 (2), 137-143.
- Tamrchi F, Asadpoor E, Zaharakar K (2022). Presenting a paradigmatic model of underlying factors result in marital infidelity based on grounded theory. *J of Psychological Science*. 20(107):2027-2043
- Treas, J. Giesen, D. (2000). "Sexual infidelity among married cohabiting Americans". *Journal of marriage and the family*. (62) 48-60.
- Valenzuela, S., Halpern, D., & Katz, J. E. (2014). "Social network sites, marriage well-being and divorce: Survey and state-level evidence from the United States". *Computers in Human Behavior*, (36) 94-101.